

## سیا مهار کودتاجیان را بر کشور، سازمان می دهد:

با وجود این، پیام زاهدی پیش از پیام فرزانتگان، عامل سیا، از رادیو پخش شد. در اواسط راه، خودرو فرزانتگان بکلی از کار افتاد. هر چند او توانست بقیه راه را، با یک نفث کش، با نازا حتی طی کند. صبح به تهران رسید و با پایگاه سیا تماس گرفت. بنا بر دستور پایگاه، او تلگرامی به سرهنگ بختیار مخا بر ه کرد. تلگرام این رمز را داشت: «من امروز برای دیدار از خواهر بیمارم می آیم». معنای این جمله این بود که سرهنگ بختیار لشکر خود را بسوی تهران به حرکت در آورد. اطلاع جنیبی جالب از حرکت سرهنگ بختیار بسوی تهران این که - لشکر کرمانشاه بعد از آنکه تهران بدست طرفداران شاه افتاد، وارد تهران شد - لشکر وقتی وارد همدان شد که حزب توده تظاهرات وسیعی بطرفداری از مصدق ترتیب داده بود. بختیار در چشم برهم زدن تظاهر کنندگان را پراکنده کرد. تنها شهردار همدان بود که بیشتر از توده ایها از مشاهده ورود لشکر کرمانشاه به همدان، شگفت زده شد.

در خود تهران، واپسین مقاومتها از میان می رفت. ستاد ارتش تصرف شد و در پایان روز، ساعت ۱۹، خانه مصدق تصرف و منهدم شد. هرچه در آن بود، به کوچه برده شد و در معابر، فروخته شد.

گزارشها پیرامون واکنشها در استانها، شروع کردند به رسیدن: پایگاه رادیو سنندج، در ساعت ۱۴ و ۵۰ دقیقه، ناگهان از صدا افتاد. در ۱۵ و ۵۵ دقیقه، رادیو تبریز گزارش کرد که این پایگاه بدست طرفداران شاه افتاده است و افزود که تمامی آذربایجان در دست ارتش است. همانطور که رادیو سخنان گویندگان را پخش می کرد، روشن شد که یکی از گویندگان، محمد دیهیم، سردسته «فدکاران آذربایجان»، یک مأمور دون پایه سیا، نقش مهمی در رویدادهای تبریز، ایفا کرده است.

در ساعت ۱۸، پایگاه رادیو اصفهان برنامه خود را با اظهارات محکم در هواداری از شاه و زاهدی، توسط روزنامه نگاران محلی و یک عضو حزب زحمتکشان بقائی، رهبران مذهبی و افسران، پخش کرد. همه گروههایی که امیدوار بودیم چنین روشی را در پیش گیرند، در ابراز حمایت شرکت جستند. تا ساعت ۲۰، پایگاه رادیو کرمان حمایت خود را ابراز نکرده بود. در این ساعت، حمایت خود را ابراز کرد.

انقلاب اسلامی: مقاومت رئیس شهربانی کرمان، سرگرد عباس سخائی، به قیمت جان او تمام شد. سازمان مخفی دکتر بقائی او را تکه تکه کردند. بموقع است یاد آور شود افسرانی چون او در ارتش و شهربانی و زامدار مری وجود می داشتند. شمار افسرانی که جانبدار نهضت ملی ایران بودند، از شمار کودتاجیان بسا بیشتر نیز بود. الا اینکه آنها در مقامهای فرماندهی نبودند و بسیاری از کودتاجیان در این مقامها بودند. سرهنگ نجاتی در «جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، اسامی ۳۶ تن از این افسران را آورده است.

رادیو مشهد هیچ شنیده نمی شد. اما تمامی مذهبیها، بمحض آنکه خبر تغییر وضعیت را از رادیو شنیدند، شاه پرست شدند. توده ایهای شناخته شده تحت تعقیب قرار گرفتند و مغازههای طرفداران حزب توده غارت شدند.

به پیروی از دستورهای زاهدی، سرهنگ فرزانتگان، باتفاق کارول، عملیات را به پایان رساندند. گرچه باتمانقلیچ رئیس ستاد شد، اما این فرزانتگان بود که از ستاد ارتش، تلفنی، شرکت کنندگان شناخته شده در اجرای نقشه تی پی آژاکس را به فرماندهی واحدهای پادگانهای نظامی تهران، نصب کرد. پس از در دست گرفتن مراکز کلیدی و نظامی، توقیف کسانی را که باید توقیف می شدند، برابر فهرست، شروع کرد.

انقلاب اسلامی: سیا همچنان کسانی را که باید توقیف و حذف می شدند، فهرست می کرد. چنانکه وقتی سازمان نظامی حزب توده کشف شد، اسامی کسانی که باید اعدام می شدند را سیا فهرست کرد. از جمله اعدام شدگان، سرگرد ژاندارمیری، دکتر هوشنگ وزیر یان بود. پدر او از دوستان ایام جوانی زاهدی بود. زاهدی توانست فرزند دوست دوران جوانی خود را از مرگ نجات دهد. او پیغام داده بود دست امریکائیهاست و کوشش برای تخفیف مجازات او بجائی نرسید.

همانطور که بعد از ظهر پایان می پذیرفت، رادیو تهران نیز کمتر برنامههای بی ربط پخش می کرد. از ساعت ۱۸، اطلاعیههای کوتاه دولتی را پخش می کرد. در ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه، نمایندگان آسوشیتد پرس و نیویورک تایمز، گزارش مختصری از رویدادهای روز، به دفتر خبرگزاری و روزنامه، دادند. اطلاعیههای کوتاه مربوط می شدند به ساعات عبور و مرور و اخطار می کردند هرگونه تظاهرات ممنوع است. از بی خلاصه اخبار ساعت ۲۱، اظهارات سرلشکر زاهدی پخش شدند. او در دفتر رئیس شهربانی مستقر شد. پیش از ساعت ۲۲، پایگاه رادیو برنامه خود را پایان داد. روز تب دار پایان پذیرفت و تب فرو خوابید. عدهای کشته شدند. اما نه به آن اندازه که در گرماگرم عملیات، اظهار شده بود. نیروی نظامی و انتظامی سخت در مهار بودند و برای درهم شکستن هرگونه کوشش مخالفی آماده بودند.

طرفهای ذی علاقه دیگر با این روز پرهیجان چگونه برخورد کردند؟ یکی از آنها که باید احساس تشویش کرده باشد، اتحاد شوروی و هوادارانش در ایران بودند. بسیار دیر تر از تمامی دنیا، خلاصه ای از رویدادهای این روز تهران را، در ساعت ۲۳ بوقت گرین ویچ، انتشار داد. رادیو مسکو، در برنامه فارسی رادیو مسکو خود که در اول بعد از ظهر پخش کشد، در اطراف مقاله پروادا تهیه شده بود. پروادا تحت عنوان «شکست ماجراجوئی امریکادر ایران»، مقاله ای انتشار داده بود. این برنامه اوائل عصر، بار دیگر منتشر شد. همین مقاله را رادیو مسکو، دیرگاه عصر و در برنامه صبحگاهی، به زبانهای انگلیسی، عربی، بلغاری، لهستانی، چک و اسلواک، هلندی، آلمانی، ایتالیائی، پرتغالی و ترکی پخش کرد. در زمان پخش آن، تقریباً تمامی شنوندگانش دیگر می دانستند واقعبیت خلاف نظری شده است که در آن مقاله اظهار شده بود.

انقلاب اسلامی: گزارش نویسی سیا لازم نمی بیند توضیح بدهد چرا «شوروی» این رویه را در پیش گرفته بود؟ با وجود همه گونه امکانات، چرا سکوت رویه کرده و با پخش برنامه ای که واقعبینانه تکذیب آن بوده اند، در خام کردن مردم ایران، سهمی پیدا کرده بود؟ سه اطلاع می توانند پاسخ به این پرسش باشند: \* ایدن تصریح می کند که به شوروی اخطار کرده اند که بر سر ایران آماده اند وارد جنگ جهانی شوند. یاد آور می شود که بنا بر قرارداد بالتا، ایران در منطقه نفوذ غرب قرار گرفته بود.

\* روسها از اثرات پیروزی نهضت ملی ایران بر آسیای میانه، سخت نگران بودند. این واقعبیت در همان زمان، خاطر نشان می شد اما با فروپاشی امپراطوری، مسلم گشت که سیاست خارجی مسکو بر این پایه قرار گرفته بود که ایران نباید موقعیتی سیاسی - اقتصادی پیدا کند که جمهوریهای آسیای میانه را تحت تأثیر قرار دهد. بخصوص که در زمان وقوع کودتا، استالین مرده بود و کرملین عرصه مبارزه ای سخت بر سر رهبری حزب و دولت بود. \* زاهدی مورخ الدوله سپهر را به سفارت روسیه فرستاده و پیغام داده بود: اگر حزب توده وارد معرکه نشود، ایران قول می دهد به امریکا و هیچ کشور دیگر غرب، پایگاه نظامی واگذار نکند. اگر حزب وارد عمل شود، بسختی سرکوب خواهد شد و ایران به امریکا پایگاه نظامی خواهد داد.

طرفهای دیگر، آنها در تهیه و اجرای نقشه کودتا شرکت داشتند، احساس غرور و بلکه از خود راضی پیدا کردند. پرداختن به واکنشهای شاه در رم، فراتر از محدوده این گزارش است. با وجود این یک یا دو تا از اظهار نظرهای او ارزش آن را دارند که در این گزارش آورده شوند. چرا که به برخی از فرضهای اولیه نقشه تی پی آژاکس مربوط می شوند. او گفت: «این ملت من بود که به من نشان داد که به سلطنت اعتقاد دارد و وفادار است و دو سال نیم تبلیغات دروغ کافی نبود» و باز: «کشور من کمونیستها را نخواست و نسبت به من ابراز وفاداری کرد»

در نیکوزیا، گیرنده های رادیوئی تا ساعات اواسط بعد از ظهر، بوقت محلی، گزارشها را منتقل و توزیع نکرده بودند. وقتی لویت، داریی شایر را از موفقیت عملیات آگاه کرد، این یکی چنان به هیجان آمد که دوست خود را یک راست به دفتر خود در خارج از شهر برد. کاری که او و همکارانش همواره در هفته های پیش، از انجامش، پرهیز می کردند.

مرکز سیا، نخستین گزارش را از آنچه روی می داد، ساعت ۹ صبح دریافت کرد. وقتی کسی وارد حال شد و خبری را داد که نخست شوخی بدی تلقی شد. چرا که افسردگی ناشی از خبرهای روز پیش که گویا موفق بیرون آمدن مصدق از زور آزمائی، هنوز برجای بود. در طول صبح و بعد از ظهر و حتی تا دیرگاه شب، کارکنان در راهروها شتابان، گزارشهای جدید را برای مقامها می بردند. در تمامی طول روز، تنها دو گزارش تلگرافی آژاکس از پایگاه دریافت شد. با وجود این، بر اثر

احساس هیجان و رضایت خاطر و شادی، آن روز، روزی بود که پنداری پایان ندارد. برگ ما برنده شد و شاه پیروز شد!

## گزارش به لندن:

روزولت، بعد از ظهر ۲۵ اوت (۴ شهریور)، وارد لندن شد. او، با هواپیمای وابسته دریائی، از یک پولارد، پنهانی، تهران را بمقصد بحرین ترک گفت. از بحرین، با یک هواپیمای نظامی دایره‌ترابری (خلبان و خدمه آن از هویت او آگاه نبودند) به لندن رفت. در لندن، با فرت Firth دیدار کرد و عصر آن روز، فرت او را به دیدار سر لشکر ژ. آکساندر سینکلر و دیگر مقامات انتلیجنت سرویس، برد. از همان ابتدا به او گفتند و فراوان که انتلیجنت سرویس سیاست‌ساز است. نه تنها به خاطر موفقیت عملیات، بلکه بخاطر اثراتی نیز که موفقیت‌هایش بر شهرت انتلیجنت سرویس و روابطش با مافوق‌هایش، ببار آورده و همچنان ببار می‌آورد. در برابر، روزولت حق شناسی خود را از حمایتی که پایگاه سبای دریافت کرد و پذیرفت که ضعف‌هایی که در حمایت کردن از پایگاه سبای بروز کردند، ناشی بوده‌اند از ندرت گزارش‌ها که لندن و واشنگتن از تهران دریافت می‌کردند. روزولت در توضیح جرائی ندرت گزارش‌ها، دچار زحمت شد. او توضیح داد اگر گزارش می‌کردیم که به چه کاری مشغولیم، لندن و واشنگتن فکر می‌کردند که ما دیوانه شده‌ایم و به ما دستور می‌دادند فوراً دست از کار برداریم. اگر ما دلایلی را گزارش می‌کردیم که چرائی دست زدن به چنان عملی را توجیه می‌کردند، وقتی برای دست زدن باقی نمی‌ماند. این شد که تصمیم گرفتیم راه سوم را در پیش بگیریم: عمل کنیم و عملاً گزارش از عملکرد خود نکنیم. این تصمیم بر این فرض اتخاذ شد که با ادامه کار کودتا چیز کمی را ممکن است از دست بدهند و همه چیز را ممکن است بدست آورند. همانطور که ساعتها می‌گذشتند، این امید که عملیات اقبال بزرگ پیروزی دارند، بیشتر و بیشتر می‌شد. سینکلر و اعضای دفتر او گفتند آنها بطور کامل وضعیت را درک کردند و خوشحالند که از دید آنها، روزولت بهترین و سازنده‌ترین تصمیم‌ها را گرفته است. ما می‌پذیریم که اگر نتیجه کار دیگر می‌شد، مقامات مرکزی رفتار دیگری پیدا می‌کردند. سینکلر توضیح داد که اینطور تصمیم‌ها می‌باید بسرعت و از سوی کسانی اتخاذ شوند که در محل عمل می‌کنند و فرماندهی می‌باید عمل‌ها را ترکیب و رهبری کند. و نیز او خواست که روزولت در توجیه مقامات وزارت خارجه بر این جنبه تأکید کند. در روزهای آینده، روزولت چنین کرد. بدون استثناء، از چرچیل تا لرد سالیسبری، با هیجان، تصمیم تهران را تأیید کردند (ویستون چرچیل به چشم کور نلسون رجوع داد).

در ۲۶ اوت (۵ شهریور)، روزولت مقامات وزارت خارجه را، یک به یک دید و از وابسته این وزارت در انتلیجنت سرویس شروع کرد. او نخست از سر (رجینالد) جیمس بوکر James Bowker (مسئول خاور نزدیک و افریقا) و دو عضو دفتر او دیدار کرد و به آنها گزارش تحولات و جو روانی ایران را داد بدون اینکه جزئیات عملیات کودتا را بازگوید. به او این احساس دست داد که انتلیجنت سرویس از اینکه می‌تواند نزد مقامات بلند پایه وزارت خارجه اینسان جلوه می‌کند، خوشحال است. معلوم شد روابط آنها، در این زمینه، نه نزدیک و نه صمیمی بوده‌است. صبح روز بعد او یک ساعت و نیم، با معاون عملیات وزارت خارجه، لرد سالیسبری، گذراند. همانطور که سینکلر خواسته بود، روزولت جزء به جزء عملیات را برای سالیسبری شرح کرد و بنظرش رسید که لرد کاملاً مفتون شده‌است. رفتار او بسیار انعطاف‌پذیر و مترقی تر از رفتار بوکر بود. نمایان بود که او دل نگران کمک به حکومت جدید ایران است و بسیار آگاه بر مسائلی است که روابط با انگلستان برای این حکومت ببار می‌آورد. او می‌پذیرفت که در کوتاه مدت، کمک اقتصادی نتایج فوری و جدی با این حکومت است. اما خاطر نشان می‌کرد که کمک بلند مدت باید با «حل و فصل مسئله نفت» همراه شود

روزولت به سالیسبری گزارش کرد، همانطور که به بوکر گزارش کرده بود، به شاه و زاهدی از سوی دولت پادشاهی انگلستان نیز تأمین‌ها را داده‌است. سالیسبری اطمینان داد - همانطور که هر یک از آنها چنین کردند - که این اظهارات موجه بوده‌اند و خوب ابراز شده‌اند و انگلستان بر این ارزیابی است که رسیدن به یک توافق را بر سر نفت با حکومت ایران، هر چه زودتر، ضرورت دارد و ما کاملاً آماده انجام این توافق هستیم.

در ساعت ۱۴، روزولت به حضور نخست وزیر رسید. او در ساختمان شماره ۱۰ داونینگ استریست، در بستر بود. پراساس ترین فرصت بود. نخست وزیر وضع جسمانی بدی داشت. در شنیدن صدا، سخت دچار مشکل بود. بزحمت می‌توانست جمله‌ها را ادا کند. چشم چپ او، در دید، دچار مشکل بود. با وجود اینهمه، تمام هیجان را بخاطر موفقیت عملیات، ابراز می‌کرد و از مهربانی فروگذار نمی‌کرد. او بر روزولت غبطه خورد و آرزو کرد کاش «چند سالی» جوانتر بود و تحت فرماندهی او خدمت می‌کرد. او همان اظهاری را که به سینکلر کرده بود، تکرار کرد: اگر موفقیت عملیات حفظ شود، عالی‌ترین عملیات از جنگ دوم بدین سو است. او تأکید کرد که قویا بر این نظر است که هرکار ممکن برای کمک به حکومت جدید انجام بگیرد. کمک اقتصادی ایران نباید معطل برقرار شدن روابط سیاسی با انگلستان یا حل مسئله نفت بگردد. او تا آنجا رفت که گفت: اگر لازم باشد، او، شخصاً، به ایران کمک اقتصادی می‌کند پیش از آنکه روابط دیپلماتیک برقرار شوند. او توضیح نداد این کار چگونه باید انجام بگیرد. او توضیح داد که براساسی شرکت نفت انگلیس و ایران در چند سال گذشته، «همه چیز را خراب کرد» و او کاملاً مصمم است دیگر نگذارد چیزها خراب شوند. عملیات ما به ما فرصت ذیقیمت و غیر منتظره‌ای را داده‌است و با استفاده از آن، باید تمامی سیمای خاورمیانه را تغییر بدهیم. در خانه، او از روزولت خواست که به رئیس جمهوری امریکا بگوید او احساس می‌کند بسیار بهتر است و باید «تا هر وقت لازم است، می‌باید بر مقام ماند». همچنین او از روزولت خواست بعد از دیدار با رئیس جمهوری، به او بنویسد و در آینده، با او در ارتباط باشد.

نخست وزیر چندین اشاره کرد که نشان می‌دادند او به انتلیجنت سرویس به‌مثابه دایره خود می‌نگرد و علاقه قلبی به آن دارد. شاید بخاطر وضع جسمیش بهنگام دیدار، بنظر می‌رسید قضاوت‌هایش گرفتار ابهامند و میان اسکاتلند یارد و انتلیجنت سرویس تمیز روشنی نمی‌دهد. او در باره سینکلر و تشکیلات اطلاعاتی امریکا گرفتار ابهام بود. حروف اول اطلاعات مرکزی امریکا، CIA، برای او هیچ معنایی نداشت. اما او تصور مبهمی داشت از اینکه روزولت باید با دوست قدیمی او بدل اسمیت ارتباط گرفته باشد.

سینکلر گفته بود او اثر بهتری بر مخاطبان خود می‌گذارد اگر نه او و نه اعضای دایره او، در طول گزارش‌های روزولت به دیگر اعضای دولت انگلستان، حاضر باشند. و نیز او می‌دانند که روزولت نخست وزیر و وزیر خارجه را ملاقات می‌کند. او تنها یک استثناء قائل شد. او پرسید: آیا روزولت در گفتگو با سر ویلیام استرانگ، معاون وزارت خارجه، حاضر باشد؟ او توضیح داد که استرانگ منشاء هدایت سیاسی او و تجویزهایی است که از وزارت خارجه درخواست شد و گفت او نگران اثر برخی از قسمتهای این گزارش بر استرانگ است. در جریان گفتگو، آشکار شد که آن قسمتی که بطور خاص مورد نظر سینکلر بود این بود که چرا پایگاه سبای در فاصله ۱۵ تا ۱۹ اوت، گزارش کامل کارها را نداده‌است. سینکلر کسی نیست که احساس خود را نمایان کند. اما هیجان چهره او را بر افروخت وقتی استرانگ با صمیمیت به توضیحات پاسخ میداد و خاطر نشان می‌کرد که روزولت تنها کار ممکن را کرده و تصمیماتی که اتخاذ و اجرا شده‌اند، تنها کاری بوده‌است که باید می‌شد. وقتی آنها از دفتر استرانگ بیرون می‌آمدند، یکی از اعضای دفتر سینکلر، با شادی بسیار، با بسته‌ای دارای روبان قرمز، شامل اشیاء هنری، بسوی او آمد. سینکلر به روزولت آفت: این هدیه علامت تصویب طرحی که آنها پیشتر از اجرای آن، روی برگرداندند، می‌باشد و این تغییر موضع وزارت خارجه بیمن موفقیت در ایران، بعمل آمده‌است.

## آنچه عملیات می‌آموزند: سیا تاریخ کودتای ننگین ۲۸ مرداد را منتشر می‌کند:

انقلاب اسلامی: این قسمت از گزارش سیا که انتقاد از خود و از انتلیجنت سرویس انگلستان است، بسیار عبرت آموز است. نخست بخاطر اینکه با توضیح ضعف انتلیجنت سرویس آن اسطوره را می‌شکند که، در ایران، از انتلیجنت سرویس ساخته بودند. هر چند هنوز که هنوز است، اسطوره برجاست. واقعیت دوم درس آموزتر است: اگر از درون به قدرت خارجی مراجعه نمی‌شد، امریکا و انگلستان، بر روی هم، توانائی کودتا را پیدا نمی‌کردند. بدین قرار، استبداد در ایران بر نظامی متکی است که بدون تکیه‌گاه خارجی، برجا نمی‌ماند. بخش حاکم در این نظام، اصرارش به تحت سلطه بردن اقتصاد و دولت ایران، بسی بیشتر از سلطه‌گر است. پس این در درون است که می‌باید طرز فکرها و نظام اجتماعی را تغییر داد. در رابطه با خارج، قطع رابطه گروه بندیهای حاکم با قدرتهای خارجی نیز از مهمترین کارها در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی و بدین دو اصل، دست یافتن به مردم سالاری است.

\* دو عنصر، از عناصر پشتیبان عملیات، توانائی سرعت بخشیدن به عملیات را، وقتی بدین کار نیاز پیدا می‌شد، نداشتند. این دو، ارتباطات و دائره جنگ روانی بودند. افراد بسیاری از افسران ارتباطات، در اداره مرکزی سیا و در پایگاه‌های سیا در نیکوزیا و تهران ساعات بسیار کار می‌کردند و اهل ابتکار بودند، غیرت بخارج می‌دادند و از عهده حجم بزرگ ارتباطات بر می‌آمدند. در فاصله ۱۴ مه تا ۱ سپتامبر، در جمع، ۹۹۰ پیام، مربوط به عملیات آژاکس، از اداره مرکزی فرستاده و با به دست رسید. نارسائی در کار ارتباطات میان اداره مرکزی با نیکوزیا و نیکوزیا با تهران بود. در تهران، تسهیلات اداره ارتباطات خاورمیانه، به پایگاه سیا، با فرستادن و گرفتار همزمان مخابرات از هر یک از سه پایگاه مخابراتی به دو پایگاه دیگر، یاری می‌داد. تا نزدیکی پایان دوره عملیات، فاصله بزرگی میان پیامهائی که تهران به نیکوزیا می‌فرستاد و پیامهائی که از آن پایگاه دریافت می‌کرد، وجود داشت. زمان ارسال آتقدر سریع که انتظار می‌رفت نبود. تعداد کمی از پیامهائی «عملیات بلادرنگ» از هر یک از سه پایگاه فرستاده می‌شدند. اما وقتی تهران چنین پیامی را می‌فرستاد، از زمان به رمز درآوردن آن تا رسیدن به اداره مرکزی سیا و کشف رمز شدنش، ۳ تا ۴ درصد طول می‌کشید.

در ماه ژوئیه از اداره جنگهای روانی استمداد کرد. هر دو، اداره و مقامات بالاتر دلوایس موضوعات - از جمله متون مقاله‌های جدید، تفسیرها و سر مقاله - که باید در مطبوعات این کشور منتشر می‌شد. چون متون حول موضوعاتی که اداره مرکزی و پایگاه سیا در تهران معین می‌کردند، توسط شاخه ۴ شعبه خاور نزدیک، تهیه می‌شد. قرار این بود که خلاصه‌ای از این مقاله‌ها به پایگاه فرستاده شود تا میان مطبوعات مجلس دوست توزیع شود و تبلیغات ضد مصدقی را تقویت کنند. این حمایت بعمل نیامد. اداره جنگهای روانی نتوانست تماسهائی را با ناشران امریکائی برقرار کند چنانکه آنها بدون اینکه بدانند منشأ آن کجاست منتشر کنند و بدون آنکه در متحوای متون، بخصوص قسمتهائی که بر آنها تأکید شده‌است، تغییر دهند. در برابر این ناتوانی، میز ایران در وزارت خارجه نتوانست نوشته‌ای از سیا را در نیوزویک، منتشر کند. این کار را با استفاده از رابطه عادی افسر خود با این مجله، انجام داد. پذیرفتن این واقعیت که سیا نمی‌تواند چنین مجرائی را بکارگیرد، بمعنای آنست که تحصیل چنین توانائی بایسته‌است. برقرار کردن تماسهائی از آن‌گونه برای تأمین انتشار مواد، خواستنی و بجاست. باید تدبیری بعمل درآید تا که سردبیران و صاحبان مطبوعات روشن شوند و مواد، برای انتشار، به آنها داده شوند.

\* در جریان عملیات، اعضای سیا با اعضای انتلیجنت سرویس، در واشنگتن و نیکوزیا و لندن و - بر حسب اتفاق - قاهره، در تماس بودند. غیر از واشنگتن، در بقیه نقاط ما در سرزمین آنها با آنها تماس داشته‌ایم. در موقعیت نفوذ در سازمان آنها، بویژه با قصد بی بردن به تاریخچه‌های افراد این سازمان، بوده‌ایم. واقعیت اینست که این سازمان حاضر بود بمثابة شریک کوچک‌تر در این عملیات شرکت کند، در قسمتهائی پیشین این گزارش، قید شده‌است. افسران انتلیجنت سرویس کوشش بایسته‌ای بکار می‌بردند دوستی و اعتماد افسران سیا را که با آنها در تماس بودند، بدست آوردند. وجود اصطکاک میان اداره مرکزی انتلیجنت سرویس و پایگاه انتلیجنت سرویس در نیکوزیا برای ما جالب بود. با اینهمه، آنچه از دیدگاه عملیات بیشتر توجه را بخود جلب می‌کرد، تعداد معدود اعضا برای خاورمیانه بود. در نیکوزیا، تنها دو افسر انتلیجنت سرویس و دو ماشین نویس عمل در ایران و چندین کشور خاورمیانه، را بر عهده داشتند. در اداره مرکزی انتلیجنت سرویس در لندن، حتی یک تن که کارش تنها ایران باشد، نبود. در آن سازمان، تنها یک متخصص امور خاورمیانه و دور وجود داشت. این کمبود نفرات، در هر فرصت، در نظر اول، بچشم می‌آمد و شگفتی می‌آورد. یک نمونه از این واقعیت، اینکه نماینده انتلیجنت سرویس در واشنگتن بخش مهمی از وقت خود را صرف به رمز درآوردن و رمز گشودن می‌کرد. خاصه کمبود نفرات برای ما از نظر دیگری درخور توجه بود. ما آگاه شده بودیم که تمامی اعضائی که در مستعمرات خدمت کرده بودند و تمامی مقامات عالی مقام اداره هند، از خدمت معاف شده بودند. البته دو افسری که در نیکوزیا با ما همکاری داشتند، جوان و دارای تحصیلات و تعلیمات عمیق بودند. یکی از آنها ۶ سال در قبرس بود و در زبان، سخت روان بود. دیگری که جوان‌تر و هنوز کارآموز بود نیز خوب زبان را می‌شناخت.

\* از درسهائی دیگری که آموختیم، توانائی اداره مرکزی سیا در برنامه‌گذاری و کفایت این مرکز و پایگاه هایش در اجرای دستورهای عمومی و خاص بود: \* نخست، می‌باید برنامه‌گذاری اداره مرکزی سیا را انتقاد کنیم:

همانطور که در صفحات پیش، توضیح داده‌ایم، نقشه عملیات بطور مستقیم بر اساس یک رشته از فرضها، تهیه شد. این فرض‌ها را سیا با همکاری انتلیجنت سرویس، تهیه کردند. اگر بخواهیم آنها را تا جائی که باید خلاصه کنیم، عبارت می‌شوند از  
 ۱ - اگر همه فشارها وارد می‌آمدند، شاه باید متقاعد می‌شد عملی را که از او خواسته می‌شد، انجام دهد.  
 ۲ - تضمین حمایت شاه از زاهدی که هم موجب برانگیختن زاهدی به عمل می‌شود و هم به او توانائی می‌دهد حمایت بسیاری از افسران دارای مقامات کلیدی را بدست آورد.

۳ - با مجبور شدن میان پیروی از فرامین شاه یا دستورهای مصدق، رده‌های مختلف ارتش و افسران آنها، از فرامین شاه اطاعت می‌کنند.  
 این فرضها بدون آنکه وضعیت جاری سنجیده شود، پایه نقشه عملیات شدند. حال آنکه در درستی آنها تردید وجود داشت. سفیر امریکا در ایران و افسر میز ایران در وزارت خارجه امریکا و نیز افسر دایره اطلاعات وزارت امور خارجه امریکا اصرار می‌ورزیدند که فرض اول کاملاً سطحی است. هندیرون، سفیر کبیر، گفت که این وعده که شاه همکاری می‌کند، دروغ است.

\* پایگاه سیا در تهران نیز در این جملات، نظر مشابهی را اظهار کرد: این فرض که امید داشته باشیم شاه از کودتائی توسط ارتش حمایت کند، غیر واقع بینانه است. اداره اطلاعات و تحقیقات وزارت خارجه، در مطالعه مخصوصی، بتاريخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۳، با عنوان «برآورد نتایج محتمل برکناری مصدق از نخست وزیری»، این عقیده را خاطر نشان کرد که مخالفان مصدق ضعیف هستند، فاقد نقشه عمل هستند و از عناصر ناهمگونی تشکیل شده‌اند که توانا به وحدت عمل نیستند. چرا باید نقشه‌کشان اداره مرکزی سیا، از آگاهان به امور ایران، اینسان بریده و مزوی باشد؟ بدین علت بود که نقشه عملیات، بضرورت، از پذیرفتن وضعیت انسان که هست، پر هیز کرد و ناگزیر شد بر اصل قوت و عمل مثبت، اقدامات متهورانه‌ای را در نظر بگیرد تا که فرضها را به واقعیت بدل کنند. باید خاطر نشان کرد که در جریان گفتگوهای بیروت و در پیامهائی که بعد از آن رد و بدل شدند، اعضای سیا که می‌باید نقشه را در تهران به اجرا می‌گذاشتند، بر غم مخالفت اولیه، بر فرضها پذیرفتند. چنانکه با نزدیک شدن زمان عمل، هماهنگی کامل برقرار شد.

\* نه تنها فرضهای مبنای نقشه آزمایش شدند، بلکه عوامل دیگری که در نقشه با ارزیابی جزئیات روانشناسی ایرانیان، تعیین شده بودند، تجربه شدند. این عوامل، در نیکوزیا و بیروت، موضوع بحث و پیش سنجی شدند. اما تجربه نشان داد که همه ایرانیان دست اندرکار اجرای نقشه، عملی را که از آنها خواسته می‌شود، انجام نمی‌دهند. حتی آنهائی که کار را بر عهده می‌گیرند، کار را به تریبی که از آنها توقع می‌شود، انجام نمی‌دهند. در نتیجه، عملیات کوششهای مکرر برای دست یافتن به هدفها را ایجاب کردند. این تحلیل صحیح بود. در حقیقت، اقدامات نظامی اولیه بیراهه روی شدند. ایرانیائی که بطور مستقیم به آنها مراجعه شد، در نهایت، از پیروی از رهنمودنی که پایگاه سیا اجرایشان را اساسی می‌دانست، سر باز زدند.

این امر که جنبه نظامی نقشه، با عملی که نتیجه آن ابراز دشمنی علنی با مصدق شد، متوازن یا کامل شد، در این زمینه، بدان خاطر بود که آنهائی که مأمور اجرای نقشه بودند، از انجام بیشترین جزئیات آن، منحرف شدند. تکیه نقشه بر برنامه تحصن هر چه وسیع‌تر بر ضد حکومت مصدق بود. اما معلوم شد عملی کردن آن غیر ممکن است زیرا مجلس منحل شد. و نیز، بدان علت که بیشترین رهبران مذهبی روشنفکر زیر بار انجام کارهائی که از آنها خواسته می‌شد، نمی‌رفتند. این امتناع رهبران، بچشم برنامه‌گذاران آمده بود. اما عاملان اصلی انتلیجنت سرویس اطمینان داده بودند که این رهبران کارهائی را که از آنها خواسته می‌شود، انجام خواهند داد.

\* خصومت همگانی با حکومت مصدق، از طرق دیگر برانگیخته شد. برخی از مخالفانها را پایگاه به مأموران خود القاء کرد و برخی دیگر را مأموران خود اندیشیدند و به اجرا گذاشتند. در صفحات گذشته، از این فعالیت، ضمن شرح رویدادها در تهران، سخن رفته است. در اینجا، تنها یک نتیجه حاصل در خور تکرار است. و آموزشی است که در باره نفوذ مطبوعات در ایران، تحصیل شد. باید پذیرفت که در سالها و ماههای کار با مطبوعات پراکنده و روزنامه نگاران پولکی (یا میهن دوست)، در تهران، پایگاه هنوز مطمئن نبود که آیا بابت پولی که خرج کرده‌است، نتایج مطلوب، بدست آورده‌است یا نه؟! با وجود این، در ژوئیه و اوائل اوت، تمامی روزنامه‌هائی که ما و انگلستان روابط کاری برقرار کرده بودیم، بر ضد مصدق شدند. با توجه به واکنشهای مردم در روزهای بعد از ۱۶ اوت، جای

تردید نیست که تبلیغات مطبوعات بطور مستقیم در همگان اثر جدی نهاد و آنان را به اندیشیدن بر نهج مثبت برانگیخت. تحلیل جداگانه‌ای از عملیات مطبوعاتی باید بعمل آید تا در عملیات آینده، راهنما شود.

✱ عملیات، زمان آزمون عاملان اصلی امریکا و مأموران پایگاه سیا که در عملیات شرکت کردند، نیز شد. کار تمامی این عاملان و مأموران عالی بود. آسان است بگوئیم آنهاکاری عالی به انجام بردند. زیرا آنها اجرای دستور نمی‌کردند بلکه با جان و دل، عملیات را انجام می‌دادند. واقعیتی که در اینجا باید مد نظر قرار داده شود اینست که در گزینش و استخدام افراد، در یک دوره طولانی، سیاه ضابطه پیروی کرده‌است که ایدئولوژی آنها با سیاست امریکا در باره ایران و روسیه شوروی، موافق باشد. در آینده نیز، این عامل در استخدام مأموران در ایران، باید رعایت شود. در باره این امر که کالیبر بالای مأموران در دست آورده‌اشان منعکس است. در یکی از خطیرترین دوره‌های پایگاه سیا، تماس عاملان اصلی، علی جلیلی و فرخ کیوانی، با سیا قطع شد. اما آنها بابتکار خود، عملیاتی را انجام دادند که پایگاه سیا می‌خواست انجام دهند.

عملکرد عالی مأموران بومی، ارزش عامل برنامه‌گذاری دراز مدت پایگاه را ثابت می‌کند. عامل دیگری که دارای اهمیت واقعی است، توانائی پایگاه در تولید مدارک بومی، در زمانی کوتاه است. مدارکی که وقتی ساخته شدند، کاملاً اصیل می‌نمودند. از مدت‌ها پیش، نقشه این کار، انجام و دستگاه مدرک سازی آماده شده بود.

✱ عملیات بر ما معلوم کردند که تدابیر بلند مدت دیگری هستند که باید بدان‌ها پرداخت:

\* تهیه خانه‌های امن از اهمیت ویژه برخوردار است. دو خانه کاملاً امن، تا لحظه آخر اجرای عملیات، باید در اختیار باشند. با آنکه مجریان نقشه از ساختمان سفارت و خانه‌های اعضای سفارت، بهترین استفاده را کردند اما مراقبت مأموران حکومت می‌توانست این استفاده را غیر ممکن بگرداند.

\* از میان تدابیر دیگری که پایگاه احساس می‌کند باید بعمل در آید، یکی ایجاد چاپخانه و تسهیلات انتشار مستقل است. پایگاه بر این باور است که این تسهیلات باید در درون سفارت خانه کار گذاشته شوند. این امر که آیا چاپ اوراق و بردن آنها از سفارت به خارج برای توزیع، مشکلات جدی امنیتی ایجاد می‌کند یا نه، موضوع بحث است.

✱ نقش عمده را در اجرای عملیات را مأموران امریکا و پول امریکا بر عهده گرفت. اما این بدان معنی نیست که نقشه بدون همکاری فعال انگلستان و مأموران و پول آن کشور، می‌توانست به انجام رسد. یک امر، واداشتن شاه به همکاری در اجرای نقشه، بدون قانع کردنش توسط امریکا و انگلستان که آماده حمایت از او هستند، واقعیت پیدا نمی‌کرد. اما اگر در عملیاتی مأموران انگلستان دخالت داده نمی‌شدند، آنها هر اطلاعی را بدست می‌آوردند، به حکومت می‌رسانند یا فعالانه می‌کوشیدند تا موجب شکست آن شوند. درس این تجربه روشن است: در عرصه جهانی، منافع امریکا و انگلستان و فعالیت‌های آنها باید همساز گردند. معامله بزرگ اینست که وقتی دو طرف دیدند مقاصدشان برآستی یکی هستند، هماهنگی مستقیم در زمینه‌های خاص فعالیت بعمل آورند.

✱ واپسین موضوع در خور توجه، امنیت این نوع عملیات است. از زمانی که نقشه به اجرا گذاشته شد، بخش خاور نزدیک و آفریقا کوشش جدی برای عملی کردن تدابیر امنیتی را انجام داد. در این بخش و حتی در شعبه آن، قاعده «اطلاع به اندازه نیاز»، به اجرا گذاشته شد. با وجود این، وقتی عملیات به انجام رسیدند، اشخاص زیادی - انگلیسی و امریکائی - از آنچه شد، اطلاع یافته بودند. شعبه ۴ بخش خاور نزدیک و آفریقا، اسامی اشخاصی را که از طرح و اجرای آن اطلاع داشتند، فهرست کرده بود. شمار کسان بسیار بیشتر از اندازه بود: در جمع ۸۹ تن. راهی برای آگاه شدن از طرح، بدون آنکه شعبه چهارم اطلاع داده باشد، وجود نداشت. این امر راست است که همکاری مستقیم امریکا و انگلستان در اجرای عملیات، تنها به افراد معدودی اطلاع داده شده بود. با وجود این، بجاست که در آینده، وقتی عملیاتی از این نوع و به این بزرگی و حساسیت طراحی می‌شود، یک افسر خاص تأمین امنیت در جمع مجریان عملیات منظور شود. به او این مسئولیت داده شود که بدقت مراقبت کند اطلاع از میان کسانی که می‌باید مطلع باشند، به بیرون درز نکنند.

## ضمیمه اول: طرح اولیه عملیات تحریک بی‌آژاکس که در یک ژوئن ۱۹۵۳، از نیکوزیا به مراکز سیا و انتلیجنت سرویس مخابره شد:

خلاصه طرح اولیه که توسط نمایندگان انتلیجنت سرویس و سیا در نیکوزیا تهیه شد:

### I - عملیات اولیه:

الف - تأمین نیاز پولی نیروی مخالف:

۱ - سیا ۳۵۰۰۰ دلار به زاهدی می‌دهد.

۲ - انتلیجنت سرویس ۲۵۰۰۰ دلار به زاهدی می‌دهد.

۳ - عوامل ایرانی انتلیجنت سرویس مأمور رساندن پول به زاهدی می‌شوند.

۴ - در صورت لزوم، سیا دست به خریدن رهبران نظامی که مقامهای کلیدی دارند، خواهد زد.

ب - تحصیل همکاری شاه:

۱ - مرحله اول: متقاعد کردن شاه به اینکه هدف مشترک انگلستان و امریکا اینست که او را از ترس بیمارگونه‌اش از تحریکات انگلیسها بر ضد او، رهاکنند.

الف - هندرسون سفیر کبیر امریکا شاه را از حمایت مشترک انگلستان و امریکا مطمئن کند: این دو کشور از او حمایت می‌کنند و نه از مصدق.

ب - هندرسون به امریکا بگوید فرستاده و یژه امریکا بزودی نزد او خواهد رفت تا او را از نقشه مشترک انگلستان و امریکا مطلع کند.

۲ - مرحله دوم: نماینده و یژه امریکا شاه را ملاقات خواهد کرد و امور زیر را با او در میان خواهد گذاشت:

الف - اموری که با شاه در میان گذاشته می‌شوند:

۱ - هر دو دولت مسئله نفت را ثانوی می‌دانند

۲ - هدف اول حفظ استقلال ایران و جلوگیری از سقوط آن در دامن شوروی است. بدین خاطر است که مصدق باید برود.

۳ - سلطنت بهترین پشتیبان حاکمیت ملی است.

۴ - تا وقتی مصدق بر قدرت است، امریکا هیچگونه کمک مالی به ایران نخواهد کرد.

۵ - مصدق باید برود.

۶ - کمک مالی انگلستان و امریکا به حکومتی که جانشین مصدق می‌شود، داده خواهد شد.

۷ - راه حل قابل قبول مشکل نفت پیشنهاد خواهد شد اما حکومت جانشین برای قبول آن تحت فشار قرار نخواهد گرفت.

ب - تقاضا از شاه:

۱ - شما باید رهبری سرنگون کردن مصدق را بر عهده بگیرید.

۲ - اگر چنین نکنید، مسئولیت سقوط کشور بر عهده شما خواهد شد.

۳ - اگر چنین نکنید، سلطنت شما سقوط می‌کند و حمایت انگلستان و امریکا از شما، قطع می‌شود.

۴ - چه کسی را می‌خواهید جانشین مصدق کنید؟ (سعی و مانور بکار می‌رود تا او زاهدی را نام ببرد)

۵ - به شما هشدار داده شود که در این باره با کسی صحبت نکنند.

۶ - نقشه عملیات با زاهدی با شما در میان گذاشته خواهد شد.

**II - ترتیب دادن کار به زاهدی:**

الف - بعد از بدست آوردن موافقت شاه، به زاهدی اطلاع داده خواهد شد که با حمایت انگلستان و امریکا، به ریاست حکومت جانشین برگزیده شده است.  
ب - موافقت با نقشه و بیزه عملیات و زمان بندی آن، دوره برای رساندن زاهدی به نخست وزیری وجود دارند:  
۱ - نزدیک به راه قانونی، شاه، با صدور فرمانی، زاهدی به به نخست وزیری منصوب می کند.

۲ - کودتای نظامی.

نخست باید روش نزدیک به قانون را در پیش گرفت. اگر موفقیت آمیز بود، قسمتی از ماشین نظامی کودتا بکار گرفته خواهد شد. اگر شکست خورد، در ساعات بعد، نقشه کودتای نظامی به اجرا گذاشته خواهد شد.

**III - روابط با مجلس:**

سرنگونی نزدیک به قانونی مصدق، ایجاب می کند وکلای مجلس خریداری شوند.

الف - هدف اصلی اینست که ۴۱ رأی بر ضد مصدق تدارک شود. برای آنکه برکناری مصدق به ترتیب شبه قانونی انجام بگیرد، باید حد نصاب نمایندگان حاضر در مجلس بیشتر از ۵۳ نماینده نشود. (انتلیجنت سرویس بر اینست که ۲۰ نماینده ای که در مهر نیستند باید خریداری شوند.)

ب - عاملان ایرانی انتلیجنت سرویس مأموریت نزدیک شدن به نمایندگان و خریداری آنها را برعهده خواهند گرفت. در صورت لزوم، سیا از راه وارد کردن فشار به نمایندگان و تأمین قسمتی از بهائی که به نمایندگان باید پرداخت شود، به انتلیجنت سرویس کمک خواهد کرد.

**IV - روابط با رهبران مذهبی:**

رهبران مذهبی باید کارهای زیر را انجام دهند:

الف - صدور بیانیه در نفی مصدق

ب - ترتیب تظاهرات سیاسی در پوشش مذهبی

ج - حمایت هرچه بیشتر از شاه

د - بعد از سقوط حکومت مصدق و استقرار حکومت زاهدی، با ایراد پیامهای رادیویی، اطمینان دادن به مردم که حکومت جدید به مبانی دین پایبند است. ممکن است به مقام مرجعیت، بروجردی، وزیر مشاور در امور مذهبی و یا احیای اصل بلااجرا مانده قانون اساسی وعده داده شود. اصلی که بنا بر آن، ۵ مجتهد طراز اول باید قوانین مجلس را از لحاظ انطباقشان با احکام دینی، تصویب کنند.

ه - تشویق آزار و تهدید مستقیم نمایندگان طرفدار مصدق.

**V - روابط با بازار:**

تماسها با بازار، برای انتشار شایعات ضد حکومت و احتمالاً بستن بازار بمثابة اظهار مخالفت با حکومت، باید بکار روند.

**VI - حزب توده:**

زاهدی در انتظار واکنش شدید حزب توده باشد و باید آمادگی رویارویی خشونتی در حد اعلارا داشته پیدا کند.

الف - توقیف ۱۰۰ تن از رهبران حزب توده و جبهه ملی،

ب - بستن جنوب تهران بقصد پیگیری از تظاهرات حزب توده.

ج - از راه

**VII - مطبوعات و برنامه تبلیغاتی:**

الف - ضربه اول، تشدید تبلیغات ضد مصدق است.

ب - زاهدی، باید بزودی رئیس واقعی تبلیغات را معین کند و او باید بکارهای زیر بپردازد:

۱ - توجیه تمامی خبرنگاران خارجی،

۲ - بیانیه های امریکا و انگلستان را پخش کند.

۳ - حداکثر استفاده از رادیو تهران.

**VIII - روابط با ایلیها:**

الف - کودتا هیچگونه واکنشی را از سوی بختیارها، لرها، کردها، بلوچها، ذوالفقاریها، ممسنیها، بوئر احمدیها و ایلات خمسه بر نخواهد انگیزد.

ب - مشکل اصلی خشتی کردن رهبران ایلی قشقایی است.

**IX - ساز و کارهای سرنگونی شبه قانونی:**

الف - در این لحظه، بهترین کار اجرای نقشه معروف به نقشه (?) است. ترتیب دادن پناهنده شدن انبوهی از تظاهر کنندگان مذهبی به مجلس است. عناصری که رهبران مذهبی می توانند به حرکت در آورند و کسبه بازار که به آنها می پیوندند، حدود ۴۰۰۰ تن که عوامل انتلیجنت سرویس در مهر خود دارند و افراد دیگری که سیا می تواند بسیج کند.

ب - باید با وسعت هرچه بیشتر، دو زمینه پخش شود. چنانکه این پناهنده شدن بیانگر مخالفت مردمی با حکومت مصدق باور شود. این کار باید به ترتیب زیر انجام شود:

۱ - زمینه اول اینکه حکومت مصدق،

از اساس، ضد مذهب است. از این راه که بیشترین شمار روحانیان تأکید کنند میان مصدق و حزب توده و میان مصدق و روسیه شوروی، پیوندهایی وجود دارند.

۲ - زمینه دوم اینکه مصدق، با دیکتاتوری بی قرار و قاعده اش، کشور را بظرف ورشکستگی کامل سوق می دهد. در دمامد شروع این تبلیغ، سیا می تواند بمقیاس وسیع پول تقلبی وارد بازار کند. سیا توانایی آن را دارد که اسکناس تقلبی چاپ کند، و بمقدار زیاد، که از اسکناس واقعی قابل تشخیص نباشد.

انقلاب اسلامی: بدینسان روشن می شود سخن خمینی در باره مصدق (از اسلام سیلی خورد) ساختن سیا بوده است. ۳۰ سال بعد که خمینی و دستیارانش با ریگان و بوش معامله محرمانه کردند، از همین تبلیغ سود جستند.

ج - مذهبی ها اول صبح روز کودتا باید به مجلس پناهنده شوند. بلافاصله، مجلس باید رأی عدم اعتماد به مصدق بدهد. در پی این رأی، مصدق باید مستعفی شناخته شود و از زاهدی بمثابة جانشین او باید حمایت بعمل آید. اگر کار با موفقیت انجام شد، در اول بعد از ظهر، کودتای شبه قانونی باید بطور کامل انجام شود. اگر موفقیت حاصل نشد، کودتا می باید عصر آن روز بعمل آید.

انقلاب اسلامی: آنها که از نقشه سیا - انتلیجنت سرویس اطلاع نداشتند و نمی دانستند وکلارا یا خریده بودند و یا مشغول خریدنشان بودند، همه بررسی برای انحلال مجلس را از اشتباههای مصدق می شمردند. مصدق مجلس را بست و راه «برکناری شبه قانونی» را نیز بست. اگر از طریق مجلس برکنار می شد، ضربه ۲۸

مرداد جامعه ایرانی را از این واقعیت آگاه نمی کرد که ساختن استبداد را باید تغییر دهد. همین تجربه بود که در ایران بعد از انقلاب اسلامی بهمن ۵۷، بکار آمد: ملاتاری تدارک آن را دیده بود که استبداد «قانونی» خویش را برقرار کند. قانون اساسی خود را تصویب کرده بود و کافی بود از خود یک رئیس جمهوری هم

پیدا کند و بساط استبداد «قانونی» خویش را بگستراند. با اطلاع از این نقشه ملاتاریا بود که بنی صدر علت نامزد شدن خود را خطر عود استبداد و نیز خطر تجاوز عراق و دست آویز استقرار استبداد شدن جنگ، قرار داد. حاصل اقبال مردم کشور به بنی صدر و انتخاب او این شد که استقرار استبداد قانونی غیر ممکن گشت.

خمینی در دو نوبت، در ۶ و ۲۵ خرداد ۱۳۶۰، ناگزیر شد بگوید اگر همه ملت بگوید بله و اگر ۳۵ میلیون بگویند بله، من می گویم نه. بدینسان کودتای خرداد ۶۰، ملت ایران را آگاه کرد که استبداد تاریخی از میان نمی رود مگر به برداشتن سه پایه داخلی متصل به پایه خارجی. با فاصله گرفتن روحانیان از رژیم ملاتاریا،

از سه پایه، یکی، پایه درحال فرو ریختن ملاتار یا بیشتر نمانده است. بهر رو، بر هر ایرانی است که این نقشه را نیک بخاطر بسیار د زبیرا روش عمومی قدرت پرستان را بدست می دهد.

## عملیات آژاکس که لندن آن را تصویب کرد:

I - مقدمه:

سیاست هر دو حکومت امریکا و انگلستان بر این شده است حکومت مصدق را با حکومت دیگری جانشین کنند. زیرا خطر ورشکست اقتصادی ایران قطعی و قرار گرفتن ایران در مدار شوروی محتمل است. تنها از راه تغییر برنامه گذاری و مهار شده این حکومت می توان تمامیت ارضی و استقلال کشور را تأمین کرد. در ایران امروز، ژنرال زاهدی تنها کسی است که می تواند در رأس حکومت جدید قرار گیرد و نفوذ روسیه شوروی را سد کند و در کشور اصلاحات اساسی بعمل آورد.

نقشه، به ترتیبی که ذیلاً تشریح می شود، سه مرحله دارد. دو مرحله او، مقدم بر عمل نظامی، انجام خواهند گرفت. این دو مرحله شامل مرحله حمایتی کنونی و کارزار تبلیغاتی نیز می شوند. (نگاه کنید به پاراگراف زیر). این مراحل برای منافع مشترک امریکا و انگلستان ارزش واقعی دارند و اگر با موفقیت انجام بگیرند، حکومت مصدق بطور روز افزون متزلزل می شود و دیگر نیازی به عملیات نظامی نمی افتد.

هزینه اجرای این نقشه، در جمع، ۲۸۵۰۰۰ هزار دلار می شود که از آن، ۱۴۷۰۰۰ دلار را امریکا و ۱۳۷۰۰۰ دلار را انگلستان می پردازند.

II - نقشه عملیات:

الف - حمایت مقدماتی از نیروی مخالف حکومت مصدق:

برای یک دوره چند ماهه، پایگاه سیا و گروه عامل انگلستان (برادران رشیدیان) در ارتباط نزدیک به زاهدی بوده اند. گروه انگلیسی معادل ۵۰۰۰۰ دلار (۴ تا ۵ میلیون ریال)، در مقام حمایت، پرداخته است.

در طول این مرحله، در اول ژوئن ۱۹۵۳، تا حداکثر دو ماهه که این حمایت بعمل خواهد آمد، امریکا ۳۵۰۰۰ و انگلستان ۲۵۰۰۰ دلار دیگر خواهند پرداخت. پرداختهای اولیه از این محل، توسط پایگاه سیادر تهران، بعمل آمده اند.

وجوهی که انگلستان می پردازد، همچنان از مجاری کنونی بعمل می آید برای مصارفی که پایگاه های انگلستان و امریکا تشخیص می دهند.

وجوه امریکا، بطور مستقیم، از سوی پایگاه سیادر محل، برای توسعه دامنه طرفداران و تقویت نظامی و سیاسی زاهدی، پرداخت خواهند شد.

در ابتدای این دوره، زاهدی، از این حمایت دو جانبه و قصد مشترک این دو کشور به افزایش حمایت ملموس، باید بطور کامل آگاه شود.

در طول این دوره، به کسان طرف تماس زاهدی، همچنان این احساس باید داده شود که شاه با دادن پول، از زاهدی حمایت می کند.

در اجرای نقشه، همساز کردن فعالیت های پایگاه های سیا و انتلیجنت سرویس در تهران، از طریق تماس های مستقیم میان اعضای پایگاه سیا و گروه عاملان انگلستان، بعمل خواهد آمد. افراد محلی سیا باید از راه انتقال دستورها و تأمین ارتباط از جانب انگلستان عمل کند تا امنیت ارتباطات افزایش پیدا کند.

قدمهای بایسته برداشته خواهند شد تا اطمینان حاصل شود که سیاست امریکا منطبق بشود با این نقشه.

ب - نقش شاه بمثابة کانون مخالفت:

این نقشه بر این فرض بنا می شود که همکاری شاه بدست خواهد آمد. همکاری شاه بهترین اقبال موفقیت را برای کودتای نظامی، در اختیار می گذارد. با وجود این، عملیات به ترتیبی اندیشیده شده اند که همکاری شاه ولو ناخواسته، تأمین شود.

شاه برای اینکه نقش خود را ایفا کند، خواستار تدارکات ویژه است. بنا بر طبیعتش، آدمی بی تصمیم است. دستخوش تردیدها و ترسهاست. او باید متقاعد شود تا نقش خود را بازی کند. نقش ایجابی او باید حداقل در کوتاه ترین زمان انجام بگیرد.

ما بر این نظر هستیم که شاهزاده اشرف، خواهر دو قلو، قوی و توطئه گر او، کسی است که بیشترین اقبال در متقاعد کردن شاه به ایفای نقش دارد. ما اطمینان داریم که اشرف از همکاری برای سرنگون کردن مصدق، استقبال می کند. با وجود این،

باید به نزد اشرف رفت و او را نسبت به نقشه توجیه و روانه تهران کرد. تماس میان اشرف و پایگاه سیا باید حفظ شود.

در سه مرحله شاه را باید آماده ایفای نقشش کرد. در این سه مرحله، اشرف باید او را آماده ایفای نقش خود کند. مرحله اول این خواهد بود که شاه را قانع کند امریکا و انگلستان هدف واحدی در ایران دارند و در همان حال، او را از ترس بیمارگونه اش از «دیدن دست انگلستان در توطئه»، رها کند. مرحله دوم این خواهد بود که او را با عبارات خاص، آگاه کند که در آینده نزدیک، انجام چه کاری از او انتظار می رود. مرحله سوم موافقت های خاص از او ستانده شوند. جزئیات

این سه مرحله بشرح زیرند:

۱ - مرحله اول:

با اطلاعی که اشرف به شاه می دهد، رهبر گروه عاملان انگلیس شاه را ملاقات می کند و به او اطمینان می دهد که امریکا و انگلستان در ایران هدف مشترک دارند و هر دو می خواهند از او حمایت کنند تا بیشترین مخالفت را با مصدق بکنند. رهبر گروه عاملان انگلیس به شاه خواهد گفت او در موقعیتی است که می تواند ثابت کند انگلستان حامی شاه است و او، رهبر عاملان انگلستان در ایران، مجاز است از سوی انگلستان سخن بگوید و محض اطمینان شاه، هر جمله ای را که شاه پیشنهاد کند، در تاریخهای متوالی، از برنامه فارسی بی بی سی، پخش خواهد شد.

۲ - مرحله دوم:

در پی اطلاعی که شاهزاده اشرف به شاه می دهد، ژنرال شورانسکف (رئیس سابق هیأت مستشاری امریکا در ژاندارمری ایران)، بمثابة نماینده دولت امریکا به نزد شاه خواهد رفت. این نماینده را شاه خوب می شناسد و بخاطر خدمت موفقیت آمیزش، در چند سال گذشته، مورد ستایش است. سخنان او به شاه واجد دو نکته خواهند بود:

الف - در این موقعیت، هر دو حکومت، موضوع نفت را ثانوی می دانند. موضوع اول طرف توجه دو حکومت تحصیل استقلال ایران است. هر دو حکومت مصممند به ایرانیان کمک کنند تا آنها، به خود، در حفظ کشورشان از افتادن به دامن شوروی، کمک کنند. اگر مصدق بر قدرت بماند، سقوط اقتصادی ایران مسلم است و از آنجا که مصدق به حزب توده اجازه داده است بطور وسیع در همه جا رخنه کنند، سقوط اقتصادی ایران، بقدرت رسیدن کمونیستهارا به دنبال می آورد.

ب - هر دو حکومت بر این نظر هستند که ادامه سلطنت پهلوی بهترین ضامن حاکمیت ملی است.

ج - تا وقتی مصدق بر قدرت است، کشور هیچگونه کمک مالی جدید از امریکا دریافت نخواهد کرد و کمک کنونی نیز می تواند قطع شود.

د - مصدق باید برود.

ه - جانشین او حمایت قوی از هر دو حکومت، از راه همان نیروهائی که بر سر کارش می آورند، خواهد یافت.

و - یک راه حل قابل قبول برای مشکل نفت پیشنهاد خواهد شد اما قصد آن نیست که آن را تنها راه حل بدانند و در صدد اجبار کشور به پذیرفتن آن باشند.

انقلاب اسلامی: واقعیت غیر آن شد. زاهدی قرار داد کنسر سیوم را به مجلس برد و گفت: گفته اند یک واو هم نباید از آن کم و زیاد شود. منت هم گذاشت و مدعی شد که تا هفت، هشت سال دیگر، انرژی اتمی جانشین می شود و نفت روی دست ما می ماند. اما چون قرارداد خود به خود تمدید می شود، کنسر سیوم مجبور است پول ایران را بدهد! کودتائی را بدست افسری تا این حد بی سواد، انجام دادند.

قسمت دوم شامل نکات زیر است:

الف - شاه بر سلطنت است و بطور قطع می خواهد شاه بماند، محور تمامی نیروهای ضد مصدق این سلطنت است.  
 ب - اگر شاه نخواهد با این نیروها همکاری کند، به تنهایی مسئول سقوط کشور و از دست رفتن استقلال آن است.  
 ج - اگر شاه بخواهد تنها براه خود برود، سلطنت او سقوط می کند و بسیار زود، برخلاف بد فهمی شاه، امریکا و انگلستان از او حمایت کرده اند اما اگر حالا شاه از همکاری تن بزند، این حمایت سلب خواهد شد. نماینده امریکا می باید پی آمدهای این امر را با او موضوع بحث قرار دهد.  
 د - شاه گفته است زاهدی بمتابۀ جاننشین مصدق، برای او، قابل قبول است. بعداً شاه گفته است کمکهای مالی توسط امریکا و انگلستان به نیروی براندازی مصدق، باید بنام و از طرف او بعمل آیند.

ه - حکومتیهای امریکا و انگلستان بطور کامل بر این نظرند که زاهدی تنها نامزد واقعی است. با کمک امریکا و انگلستان، زاهدی آماده است در آینده نزدیک دست بکار شود و کار را با موفقیت به انجام رساند. شاه بطور کامل در جریان نقشه های زاهدی قرار خواهد گرفت و از او (شاه)، حداقل عمل توقع خواهد شد. بلافاصله بعد از دیدار نماینده امریکا، رهبر گروه عاملان انگلستان به دیدار شاه خواهد رفت و همتاگونه سخنان را به او خواهد گفت.  
 ۳ - مرحله سوم:

این مرحله در مسئولیت تنهای شاهزاده اشرف است. بلافاصله بعد از دیدارهای نمایندگان امریکا و انگلیس، هنوز که شاه تحت تأثیر سخنان آنهاست، شاهزاده اشرف باید امضای او را پای سه مدرک بدست آورد: نخستین مدرک از این سه، می باید تاریخ داشته باشد. دومی و سومی باید بدون تاریخ باشد. این مدرکها عبارت خواهند بود از

الف - یک نامه سرگشاده خطاب به تمامی افسران وفادار و دعوت از آنها به همکاری با حامل نامه در کوششهایی که برای بازسازی اعتبار ارتش لازم می بیند. همکاری با او در اعاده احترام به خود و ابراز فداکاری نسبت شاه و کشور.

ب - فرمان نصب زاهدی به ریاست ستاد ارتش.  
 ج - فرمانی خطاب به تمامی رده های ارتش مبنی بر اطاعت کامل از دستورهای رئیس ستاد منتصب او.  
 این سه مدرک باید درجا از کاخ بیرون برده شوند. نامه سرگشاده باید در اختیار زاهدی قرار بگیرد و دو نامه دیگر به پایگاه سپا برده و برای موقعی نگاهداری شود که موقع استفاده از آنها است.

در پی کوششی که از شاه توقع شده و با امضای این مدارک انجام داده است، ممکن است شاه حالت غلبان پیدا کند. زود یا دیر او شروع می کند به اندیشناک شدن و تردید کردن. از این رو، او را باید از پایتخت به سفر برد. مرجع اینست که به زیارت مشهد برده شود. او باید در مشهد بماند تا که زاهدی مهار امور را بدست آورد. او تنها وقتی به پایتخت باز خواهد گشت که نخست وزیر جدید مستقر گشته و شاه تصویب او را اظهار کند.

ج - سامان دادن کارها با توافق زاهدی:  
 تماسهای مداوم افراد سپا و عوامل انلیجنت سرویس با زاهدی یا نمایندگان او به روشن شدن روز افزون نقشه های او و عناصری که او امیدوار است به کمک او برخیزند، کمک کرده اند. این مواد و گزارشهای اطلاعاتی در تهیه «سازماندهی کودتا» آمده اند.

در پی تماسها با شاه، بشرحی که گذشت، هر دو حکومت امریکا و انگلستان بطور مستقیم به زاهدی اطلاع خواهند داد که از شاه موافقت محکمی برای او گرفته اند و زمان آنست که نقشه تفصیلی آماده شود و به اجرا درآید.

نامه دعوت شاه از افسران وفادار به همکاری با حامل آن، در اختیار زاهدی قرار داده خواهد شد. او خواهد توانست، با استفاده از این نامه، دستیاران نظامی خود را بخدمت درآورد. زاهدی همچنین نامزد امریکا و انگلستان برای اجرای «نقشه براندازی مصدق» شناسانده خواهد شد. این نقشه با زاهدی موضوع تبادل نظر خواهد شد و او فرصت خواهد داشت قسمتی را تکمیل و یا تغییر بدهد. لازم است تمایلات و قابلیت های او رعایت شوند. به زاهدی گوشزد خواهد شد که بنا بر نقشه، در مرحله پیش از زمان کودتا نیز، در حمایت پوشیده از عملیات، امریکا و انگلستان هماهنگی کامل دارند. تمامی عناصر بالقوه مخالف مصدق می باید مخالف بالفعل شوند چنانکه در روز کودتا، سرنگون کردن حکومت مصدق، به وسائل قانونی، میسر شود. باید به زاهدی حالی شود که منش و شهرت حکومت جاننشین بهتر خواهد شد اگر عمل نظامی محدود به تأمین کنترل شهر شود وقتی به این موفقیت قانونی اعتراض می کند.

با وجود این، بسا ممکن است شاه از قبول پیام نماینده امریکا تن زند و یا نخواهد مدرکها را برای زاهدی را امضاء کند. به زاهدی باید اطلاع داده شود که در صورت موافقت زاهدی، امریکا و انگلستان آماده اند، بدون همکاری فعال شاه، نقشه را به اجرا بگذارند. ما می باید به هرگونه کوششی برای اینکه شاه ولو ناخواسته، در اجرای نقشه کودتا شریک شود و همان نتیجه بدست آید که اگر او بطور فعال در اجرای آن شرکت می کرد.

د - سازماندهی عملیات سرنگونی حکومت مصدق:

موادی که در زیر می آیند باید از طریق پایگاه سپا در تهران با زاهدی در میان گذاشته شود تا تغییر بایسته در آن بعمل آید.  
 تحت عناوین آینده، قوای موجود یا بالقوه و نقشه های آن، توانایی قوای طرفدار مصدق نا دیده گرفته شده اند.

۱ - سازماندهی کودتا:

الف - دفتر نظامی: رئیس این دفتر با افسری خواهد بود که زاهدی منصوب می کند. اما امریکا و انگلستان نیز باید او موافق باشند. افسران عالی رتبه معدودی عضو این دفتر خواهند شد. این دفتر با پایگاه سپا در تهران در ارتباط خواهد بود. با توافق امریکا و انگلستان نقشه اولیه ای برای تأمین امنیت تهران تهیه خواهد کرد. برای اینکه دفتر نظامی از عهده کارهایش برآید، مبلغ ۷۵۰۰۰ هزار دلار، در اختیارش قرار خواهد گرفت.

ب - وظایف دفتر: فوری ترین وظیفه دفتر گزینش افسرانی با مقامهای کلیدی در تهران است. افسرانی که در عملیات برضد مصدق، بتوان روی آنها حساب کرد. دفتر نظامی نقشه کودتا، تهیه شده توسط امریکا و انگلستان، را، عمل به عمل، ارزیابی خواهد کرد تا که اطمینان حاصل شود کودتا با موفقیت انجام خواهد شد. برخی از این عملیات، تدابیری هستند که باید بلادرنگ بعمل آیند: تصرف ستاد ارتش، پایگاه رادیو تهران، خانه های مصدق و اطرافیان او، ادارات مرکزی شهربانی و ژاندارمری، مرکز پست و تلگراف و تلفن، مجلس و ادارات مطبوعات و بانک ملی و چاپخانه آن. توقیفها شامل وزیران مصدق و افسرانی که مقامهای کلیدی دارند و با مصدق همکاری می کنند و گزیده ای از مدیران مطبوعات می شوند.

تدابیری بر ضد حزب توده باید اتخاذ شوند. زاهدی باید منتظر واکنش شدید حزب توده باشد و کاملاً آماده روپارونی با حداکثر قهر باشد. تا وقتی حکومت مصدق جاننشین نشده است، امکان خنثی کردن حزب توده وجود ندارد. با وجود این، از زمانی که حکومت تغییر می کند تا وقتی که حزب توده توانایی ریختن به خیابانها را پیدا کند، چند ساعتی وقت خواهد بود. بهنگام انجام کودتا، ۱۰۰ تن از رهبران حزب توده و جبهه ملی و روزنامه نگاران باید توقیف شوند. توقیف شدگان کسانی خواهند بود که اسامیشان در فهرستی از ۸۰ اسم آمده اند که بنازگی توسط انگلستان و پایگاه سپا در تهران، تهیه شده اند. بر آنها افزوده می شود اسامی که زاهدی بر فهرست خواهد افزود. مهار خیابانهای تهران از اجتماع اعضای حزب و دیگران، پیشگیری می کند. توزیع هرچه وسیع تر اعلامیه، با امضای کمیته مرکزی حزب توده ایران، باید اعضای حزب را غرق ابهام کند و از اجتماع و عمل آنها پیشگیری کند. برای امریکا میسر است گاز اشک آور، جوهر پاک ناگردنی یا مواد دیگری در اختیار بگذارد که مانع از جمع شدن افراد می شود. هواپیماهای نیروی هوایی می توانند اختطاریه هائی را پخش کنند و مردم را از عواقب اجتماع در خیابانها بر حذر کنند.

ج - عملیات در روز کودتا: در این عملیات، اساساً، از همان رهنمودها پیروی خواهد شد. به ترتیبی که در هر یک از سه وضعیت، شدنی باشند. این سه وضعیت عبارتند از:

وضعیت الف: اعتراض هرچه وسیع تر روحانیان بحکومت مصدق. در پی آن، بلافاصله، اقدام نظامی بعمل خواهد آمد.  
 وضعیت ب: لحظه ای که شاه بزور مصدق ناگزیر از ترک کشور می شود. این عمل مصدق را نتیجه قوت گرفتن نیروی مخالفی است که شاه، خود خواسته، آن را رهبری می کند و یا بر اثر قوت گرفتن نیروی مخالف است و شاه خود ناخواسته در رأس آن قرار می گیرد.

وضعیت ج: لحظه‌ای که مصدق بر آن می‌شود استعفای خود را تقدیم کند. این عمل می‌تواند ناشی باشد از نگرانی او از قوت گرفتن مخالفان و همان شکل را پیدا کند که در گذشته به نمایش درآورد. یعنی خواستار حمایت شخص شاه شود و به این عنوان که شاه حمایت نمی‌کند، توده‌ها را به خیابانها بکشاند. در وضعیت الف، عملیات زیر باید انجام گیرند:

در اوج وضعیت الف، زاهدی با عملیات محدود نظامی، ستاد ارتش را تصرف می‌کند. او، بلادرنگ، برگزیده خود را بر ستاد ارتش خواهد گمارد و اقدام به توقیف مصدق خواهد کرد. جلسه مجلس منعقد خواهد شد و مخالفان به مصدق رأی عدم اعتماد و به زاهدی رأی تمایل خواهند داد. در این حال، خواه با در دست داشتن فرمان نخست وزیری از شاه و یا بدون آن، زاهدی حکومت را تصدی خواهد کرد و عملیات مختلف کودتا را که در بالا بر شمرده شدند، انجام خواهد داد. وقتی مهار خویش را محکم کرد، دیگر مشکلی برای تحصیل رأی اعتماد از مجلس نخواهد داشت. تنها در آن وقت، شاه به تهران مراجعت خواهد کرد.

در وضعیتهای ب و ج عملیات زیر باید انجام شوند:

تنها تغییر در نقشه این خواهد شد که زمان بندی عملیات کودتا تا زمان بحران کنونی جلو انداخته شوند و جنبه‌های نظامی با هم انجام شوند.

۲- سازمان دهی ایجاد حداکثر مخالفت مردمی با مصدق پیش از انجام کودتا:

الف - برنامه عمومی اینست که مخالفت مردمی و بی اعتمادی و ترس مردم از مصدق و حکومت او، ایجاد و توسعه و تشدید یابد. برای اجرای این برنامه، ۱۵۰ هزار دلار اختصاص داده می‌شود. این برنامه می‌تواند مراحل زیر را داشته باشد:

مرحله اول - حمایت مقدماتی از زاهدی با پول گذاشتن در اختیار او برای اینکه بتواند بر شمار دوستان خود بیفزاید و اشخاص دارای موقعیتهای کلیدی را با خود موافق گرداند.

مرحله دوم: تبلیغات هرچه وسیع تر بر ضد مصدق و حکومت او اما مصدق خود باید آماج اصلی حمله‌ها باشد. این کار باید تنها یک تا دو هفته پیش از وضعیت الف انجام بگیرد به ترتیبی که مصدق مجال واکنش مؤثر را پیدا نکند و بر اثر طول زمان، اثر آن از میان نرود.

مرحله سوم: این مرحله همان وضعیت الف است که پیش از این، تعریف شد.

ب - وظایف عناصر خاص:

(۱) - مطبوعات و تبلیغات: در مرحله حمایت، گروه انگلیسی به مطبوعات کوچک خط ضد مصدقی خواهد داد. در مرکز سیا و در پایگاه آن در تهران، مقاله‌ها، شبنامه‌ها و کاغذهای دیواری، برخی از آنها بنفع شاه و بعضی دیگر بر ضد مصدق، تهیه و به فارسی ترجمه خواهد شد. نوشته‌هایی که برای بی اعتبار کردن مصدق تهیه می‌شوند باید مضامین زیر را داشته باشند:

(الف) - مصدق پشتیبان حزب توده و اتحاد شوروی است. (این مضمون باید با مدارک جعلی ثابت کرد).

(ب) - مصدق دشمن اسلام است چراکه متحد حزب توده است و هدف‌های این حزب را به پیش می‌برد.

(ج) - مصدق بعمد روحیه ارتش را خراب می‌کند و توانانیش را برای حفظ نظم از میان می‌برد.

(د) - مصدق بعمد عناصر تجزیه طلب را تقویت می‌کند. این کار را با برداشتن مهار ارتش از مناطق ایل نشین انجام می‌دهد. یکی از هدفهای برداشتن مهار ارتش بر این مناطق، آسان کردن تسلط شوروی بر استانهای شمالی ایران است.

(ه) - مصدق بعمد اقتصاد کشور را به ورشکست می‌کشاند.

(و) - قدرت مصدق را فاسد کرده است طوری که دیگر از آن آدم وارسته سالهای پیش، اثری نمانده‌است. او اینک همان غریزه سرکوبگری را یافته است که مستبدها دارند.

(ز) - بر مبنای این مضامین باید اصرار شود که مصدق قربانی القانات اطرافیان جاه طلب و بی ایمان خود شده است.

بنظر اساسی می‌رسد که زاهدی می‌باید که مدیر تبلیغات مطبوعاتی را انتخاب کند که معاون نخست وزیر نیز باشد. پایگاه سیا در تهران نام شخصی را که باید مورد موافقت امریکا و انگلستان نیز باشد، از زاهدی بگیرد. یک یا دو هفته قبل از وضعیت الف کوشش تبلیغاتی پر حجم باید انجام بگیرد. تهیه برنامه اجرایی، این تبلیغات و وظیفه اولیه پایگاه سیا در تهران است.

(۲) - توجیه تمامی خبرنگاران خارجی: اگر بهنگام کودتا، مجلس مشغول کار بود، کوشش خواهد شد تغییر حکومت بصورت ظاهر قانونی بشود. اگر در تعطیلات بود، نمایندگان توسط یکی از افسران منتخب که عضو مخالفان مصدق است، به تشکیل جلسه فراخوانده خواهند شد.

در تدارک تغییر حکومت، به یکچند از نمایندگان، بقصد خریدنشان، نزدیک باید شد. هنوز تصمیم گرفته نشده‌است که خریدن نمایندگان توسط گروه انگلیسی انجام بگیرد و یا توسط خود زاهدی. تا وقتی او در تحصن مجلس است، بهترین موقعیت را برای انجام این کار دارد. یکی و یا هر دو کار خرید نمایندگان را انجام خواهند داد. بودجه خاص برای خرید نمایندگان اختصاص داده خواهد شد با چهارچوبی که با توافق دو طرف معین خواهد شد. در این کار، پایگاه سیا نیز می‌تواند از تماسهای خود سود جوید و عوامل مختلف خود را برای انجام این عمل، بکار اندازد.

بنا بر وضعیت الف، هدف اصلی این می‌شود که اکثریت نصف بعلاوه یک بر ضد مصدق بدست آید. در حال حاضر، برابر برآورد، تعداد ۳۰ نماینده خریداری و آماده گشته‌اند تا بر ضد مصدق رأی بدهند. البته در صورتی که ببینند اقبال قوی وجود دارد که اکثریت شوند. قابل تذکر است که تمامی نمایندگان مجلس در جلسه حاضر نخواهند بود. با اینهمه، لازم است سعی شود نصف بعلاوه یک، در لحظه رأی دادن بر ضد مصدق، وجود داشته باشد. حداقل دو سوم نمایندگان باید در تهران حاضر باشند تا جلسه مجلس بتواند تشکیل شود. از این رو کوشش باید بکار برد و نمایندگان اضافی خریداری کرد نه برای اینکه بر ضد مصدق رأی بدهند بلکه تنها برای اینکه در مجلس بمانند تا حد نصاب وجود داشته باشد.

(۳) - عناصر سیاسی غیر از حزب توده:

احزاب سیاسی یا گروه‌هایی که اینک مخالف مصدق شده‌اند، نقش کوچکی در این کارزار خواهند داشت. احزابی چون حزب زحمتکشان و سومکا و شاخه‌ای از حزب پان ایرانیست تنها و بسیار محدود در اغتشاش خیابانی بکار گرفته خواهند شد. با وجود این، حزب زحمتکشان در تبلیغات ضد مصدقی که شرح دادیم، نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

درخور یادآوری است در همان حال که این احزاب نقش ناچیزی خواهند داشت، گروه انگلیسی می‌تواند حدود ۳۰۰۰ تن فعال خیابانی را در ایجاد وضعیت الف، بسیج کند.

(۴) - رهبران مذهبی: باور ما بر اینست که همه رهبران مذهبی مهم با پیروان بسیار، سخت مخالف مصدق هستند. هم پایگاه سیا در تهران و هم گروه عامل انگلیس با این رهبران تماسهای محکم دارند. در قلمرو مذهبی‌ها، ظرفیت حمایت از زاهدی، بسیار بزرگ است.

این رهبران در برگیرنده رهبران دینی غیر سیاسی نظیر؟ و؟ هم سیاسی مانند بهبهانی و کاشانی و دسته تروریش.

انقلاب اسلامی: تا اینجا، دو واقعیت آشکار می‌شوند: یکی اینکه اگر مجلس منحل نمی‌شد، وکلای خریداری شده حکومت مصدق را ساقط می‌کردند. و دیگر اینکه در کودتا بر ضد مصدق، فدائیان اسلام نیز نقش داشته‌اند. بعد از کودتا، آنها کوشیدند زاهدی را ترور کنند. موفق نشدند. علاء را ترور کردند بی آنکه موفق به کشتن او شوند. بدنبال این کودتا بود که رهبران و بسیاری از اعضای فدائیان اسلام و کاشانی دستگیر شدند. نواب صفوی و واحدی، مرد شماره یک و دو اعدام و کشته شدند.

قبل از کودتا، در دوران تبلیغات شدید ضد مصدقی، رهبران مذهبی و مریدهاشان باید اعمال زیر را انجام دهند:

(الف) - انتشار قول و نوشته در تکذیب مصدق.

(ب) - اظهار حمایت از مظهر تاج و تخت و روحیه دادن به شاه از راه تماس مستقیم با او در معابد.



- (ج) - همانطور که ذکر شد، تشکیل گروه‌های مذهبی ضد مصدقی که در بخش‌های وسیع از تهران، تظاهر کنند.  
 (د) - گروه تروویست باید تهدید کند که آماده است بر ضد نمایندگان طرفدار مصدق و اطرافیان و اعضای حکومت او، دست بعمل بزند  
 (ه) - شرکت کامل خود و طرفدارانشان در ایجاد وضعیت الف.  
 (د) - بعد از تغییر حکومت، محکم‌ترین تضمین‌ها از طریق رادیو تهران و مساجد داده خواهد شد که حکومت جدید به احکام دین وفادار است.  
 ۵ - تاجران بازار:

مقصود از تاجران کم‌شمار، تاجران بزرگ بازار هستند که نظرگاهی نیمه مذهبی دارند و در بازار ریشه دارند و نفوذی بسیار بر قشرهای دیگر بازاریان دارند. با این بازاریان هم از سوی گروه کارگزار انگلستان و هم از جانب پایگاه سیاه تهران، تماس برقرار است.  
 این تاجران مخالف مصدق هستند زیرا حکومت با وجود آوردن رکود کسب، قطع واردات و سخت‌گیری در اخذ مالیاتها و مضیقه پولی، تجارتشان را کساد کرده است.  
 در مرحله تبلیغات شدید بمنزله پیش در آمد وضعیت الف، این تاجران در مورد زیر، بکار گرفته خواهند شد:  
 الف - پخش شایعات ضد حکومتی در بازار،  
 ب - برانگیختن محدود جنوب تهران در اعتراض به سیاستهای اقتصادی حکومت مصدق.  
 و بعد، بهنگام وضعیت الف، آنها می‌باید  
 ج - تمامی بازار را به تعطیل بکشاند.

ج - واپسین عملیات بلافاصله پیش از کودتا:  
 همانطور که خاطر نشان شد، عملیات نظامی می‌توانند حاصل وضعیتهای الف، ب و یاج باشند. با وجود این، فعالیت‌های پیش از کودتا سازمان، همانسان که تشریح شدند، بدان قصد انجام می‌گیرند که وضعیت الف را ایجاد کنند. این فعالیت‌ها را می‌توان اینسان توصیف کرد:  
 ۱ - در روز معین، حملات وسیع باید بر ضد رهبران دینی برخوردار از احترام عمومی انجام بگیرند.  
 ۲ - دیگر رهبران روحانی باید بگویند این حملات بدستور مصدق و بعنوان واکنش نسبت به بی‌حمایت شدن خود در پی رهنمود روحانیان سراسر کشور، بعمل آمده‌اند.

۳ - شماری از مهمترین رهبران روحانی می‌باید در مجلس تحصن‌گزیبند.  
 ۴ - در این هنگام، این رهبران روحانی، از راه میدان خود، اظهار به‌های شدید الحنی را بر ضد رفتار ضد مذهبی مصدق انتشار خواهند داد.  
 ۵ - همزمان با عملیات ۲. ب و (۴) (۵)، پایگاه سیا وسیع‌ترین کارزار تبلیغاتی را با انتشار مدارک ساختگی که حاوی جزئیات توافق محرمانه مصدق با حزب توده می‌باشند، به راه خواهد انداخت. بنا بر این «مدارک»، حزب توده قول می‌دهد تمامی توان خود را بر ضد روحانیان و ارتش و نیروی انتظامی بکار برد.  
 ۶ - در پی آن، رهبران دینی از پیروان خود دعوت خواهند کرد در مساجد، ادارات پست و تلگراف و تلفن و بانکها و... بست نشینند. گروه کارگزار انتلیجنت سرویس و پایگاه سیا تمامی گروه‌ها را می‌توانند، برای تظاهرات و تقویت صفوف طرفداران روحانیان، بسیج می‌کنند. و همزمان، تاجران به بستن بازار خواهند کوشید. (هدف از بست نشینی همگانی فلج کردن زندگی عادی و فعالیت در شهر و نشان دادن وسعت بیزاری مردم از حکومت است. این همان روش مقاومت مسالمت‌آمیز است که سستی دیرین در ایران است. قوای نظامی و انتظامی از عمل بر ضد مردمی که بست می‌نشینند، ناتوانند.)  
 ۷ - پیشاروی جو خصمانه و غیر عادی که سنگین و سنگین‌تر می‌شود، زاهدی، در مقام رئیس ستاد ارتش، ترتیب توقیف کسانی را می‌دهد که با توقیف آنها، قسمت اساسی مرحله نظامی کودتا انجام می‌گیرد.

۸ - درست بعد از اقدام زاهدی، مجلسیان به جلسه فوق العاده مجلس فراخوانده می‌شوند تا رأی به تغییر حکومت بدهند و کودتا را کامل کنند.  
 انقلاب اسلامی: این قسمت از برنامه، بخاطر انحلال مجلس در پی همه پرسی، تغییر کرد. اما ملاتاریا در سال و خرداد ۶۰، بی‌کم و کاست، این نقشه را به اجرا گذاشت.

II - ارزیابی اقبالیهای موفقیت نقشه کودتا:  
 مواد این نقشه به سناریو یک فیلم وسترن می‌ماند که به شرقیها پیشنهاد می‌شود آن را بازی کنند. با وجود این، تهیه‌کنندگان نقشه آن را بیمن معلومات عمیق خویش از کشور و مردم آن تهیه کرده و جزء به جزء آن را از دیدگاه ایرانی، ارزیابی کرده و آزموده‌اند. با توجه به ناتوانی ایرانیان از تهیه نقشه و یا عمل به ترتیب دقیق و منطقی، ما نباید انتظار داشته باشیم چنین نقشه‌ای، همچون یک سناریو فیلم وسترن مطالعه و صحنه محلی اجرا شود.  
 با وجود این، ما احساس می‌کنیم که نقشه به اندازه کافی گسترده و بقدر بایسته قابل فهم است که اگر هم صد در صد اجرا نشود، اقبال موفقیت معقولی را دارد.  
 با توجه به منش ایرانی، امنیت عوامل محلی دست اندرکار اجرای این نقشه، جدی‌ترین ضعف ذاتی این نقشه است. ما باید از این امر آگاه باشیم که اگر نقشه درز کند، تدابیر مصدق را در سرکوب کودتاگران در پی می‌آورد.

در سالهای اخیر، پیشینه‌ای از این نوع عملیات وجود ندارد. کودتای رضا شاه طبیعی بکلی متفاوت با این کودتا می‌داشت. کودتاهای اخیر در کشورهای خاورمیانه آسان بوده‌اند زیرا در آن کشورها تهدید جدی حزب کمونیست وجود نداشت و در رأس حکومت نیز شخصیتی با حمایت قوی افکار عمومی قرار نداشت.

مقدم بر ارزیابی اقبالیهای موفقیت، توجه به نکات زیر، در رابطه با برداشت عمومی از کودتا، حیاتی است:  
 الف - شکست کودتا می‌تواند نتیجه یکی از دو امر زیر بشود:

- ۱ - اتخاذ روش سخت ضد امریکائی از سوی حکومت و امکان اخراج امریکائیان از ایران.
  - ۲ - اضمحلال ماشین عملیاتی انگلستان یا کارگزاران انتلیجنت سرویس که قصد برانداختن حکومت مصدق را دارد.
- ب - ممکن است کودتا به شکست بیانجامد اما امریکائیان از ایران اخراج نشوند و در تاریخی بعد، حکومت سرنگون شود. اما امریکا و انگلستان، بلحاظ از میان رفتن گروه کارگزار انگلستان و پایگاه سیا، در موقعیتی نباشند که از موقعیت سود جویند  
 ج - اگر کودتا انجام نگیرد، هنوز ممکن است سفارت امریکا بسته شود و سقوط اقتصادی در حکومت کنونی مصدق، با آشوب اجتماعی همراه شود و متعاقب آن، حکومت مصدق سقوط کند و حزب توده و اتحاد شوروی بر کشور دست یابند.  
 د - اگر نقشه کودتا در این زمان، پذیرفته و اجرا نشود، نقشه دیگری باید تهیه شود تا بهنگام سقوط اقتصادی و آشوب داخلی به اجرا در آید.  
 حاصل سخن: با وجود حمایت شاه و موافقت زاهدی با مواد اساسی این نقشه، تصویب تغییرات پیشنهادی او از سوی ما و اطمینان ماکه او طبق نقشه و زمان بندی آن عمل می‌کند، تهیه‌کنندگان این نقشه بر این باورند که کودتا قرین موفقیت می‌شود.  
 انقلاب اسلامی: سیا یاد آور می‌شود که ضمائم که از این پس می‌آیند، در نقشه نبوده‌اند. این ضمائم بر انبوهی از فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعات مبتنی هستند که به نقشه و اجرای آن مربوط می‌شوند.  
 ضمیمه‌ها فهرست بسیار تفصیلی تمامی حامیان در اختیار و یا احتمالاً در اختیار زاهدی، با اسامی و مقامهای نظامی افسران ارتش، بررسی انتقادی مواضع نمایندگان مجلس، ارزیابی اهمیت مقام و انسجام رهبران دینی حامی زاهدی، اعضای هیأت وزیران حکومت زاهدی و... در بردارند.

## ضمیمه ج ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ (۱ مرداد ۱۳۳۲) وزارت امور خارجه انگلستان، از مکینز، سفیر انگلستان، به اسمیت، معاون وزارت امور خارجه امریکا:

«حکومت اعلیحضرت با نظرهاهای وزارت خارجه امریکا، آسان که بنا بر گزارش، در گفتگوی ۷ ژوئیه، میان آقای بیروود Byroode و آقای بیلی Bealey، اظهار شده‌اند، نظر مساعد دارد.

ملاحظه‌ای که ناگزیر می‌نماید اینست که تمامی مسئله گرامت را می‌باید به حکمیت یک دادگاه بین المللی بی طرف گذاشت. و نیز، توافقی آینده نیز می‌باید چنان باشد که سبب برانگیختن به فسخ قراردادها و یا برهم زدن قیمت‌های نفت مقرر نشوند. با توجه به این امر، حکومت اعلیحضرت خود را برای بیشترین کمک... ارائه توافقی به مردم آماده کرده‌است. این حکومت همچنان متقاعد است که هرچند شرکت (بریتیش پترولیوم) طرف شور قرار نگرفته است، اما رفتار سخاوتمندانه‌ای در باره روشها و زمان بندی پرداخت گرامت به شرکت، اتخاذ خواهد کرد.

بدین قرار، پاسخهای سفارت مادر واشنگتن به پرسشهای ویژه‌ای که در گزارش آمده‌اند، عبارتند از:

الف - دولت انگلستان بدون این نفت نیز می‌تواند گذران کند. اما جریان دگر باره نفت را در بازارهای سنتیش را امتیازی می‌شمارد. با اینهمه، حکومت اعلیحضرت نگران حل و فصل مناقشه‌ای است که که روابطش را با کشور مربوطه (ایران) زهر آلود کرده و عامل تشویش در تمامی منطقه است. از این رو، این حکومت آماده همکاری با حکومت جدید در کوشش برای رسیدن به یک توافق است. توافقی که در آن، اصول مندرج در بند دوم، رعایت شوند.

ب - حکومت اعلیحضرت مفهوم نقشه را عبارت می‌داند از اینکه ابتکار عمل در تقدم بخشیدن به حل مشکل نفت، در رابطه با برنامه عمومی او، و نیز طبیعت این توافق، به نخست وزیر آینده (ایران) داده شود. این حکومت امیدوار است که او (نخست وزیر) در پیشنهادهای ماه فوریه، تأمل نکند. البته حکومت ما همه‌گونه توضیح در باره آنها در اختیار او خواهد گذاشت. هرگاه او پیشنهادهای بدیل او را با همان حسن تلقی مورد ملاحظه قرار خواهد داد مشروط بر اینکه اصول یاد شده در آنها ملحوظ شده باشند.»

## گزارش در باره جنبه نظامی نقشه تی پی آژاکس:

در اوائل تابستان ۱۹۵۳، کارول مأمور شد نقشه نظامی عملیات آژاکس را تدارک کند. چند فرض می‌باید در نظر گرفته می‌شدند:

- الف - عملیات باید عملیات مشترک سیا و انتلیجنت سرویس می‌شدند.
- ب - عملیات می‌باید سخت بر عزم نظامیان بر جنگ برای شاه، تنظیم می‌گشتند.
- ج - قوای ارتش در ایران تحت حکومت مصدق قویاً تحت مهار افسران طرفدار مصدق هستند.
- د - قوای نظامی در مهار انتلیجنت سرویس و سیا آن توانائی را ندارند که هدفهای نظامی طرح آژاکس را متحقق گردانند.
- ه - بنا بر این، نقشه‌ای که طراحی می‌شود باید در بر بگیرد امور زیر را:
  - و - مطالعه تفصیلی در باره شخصیت فرماندهان نظامی در ایران،
  - و - مطالعه تفصیلی توانائی رزمی ارتش ایران با تأکید بر قوای مستقر در تهران.
  - ز - مطالعه تفصیلی ارتباطات، ذخیره مهمات، ذخیره اسلحه و مهمات، ساخت فرماندهی در ارتش ایران، زمان و فاصله قسمتهای مختلف ایران از تهران شامل راهها و راههای آهن، از دیدگاه نظامی،
  - ح - بررسی تفصیلی امکانات نظامی که انتلیجنت سرویس در اختیار دارد.
  - ط - امکانات نظامی بکار بردنی که سیا می‌باید توسعه دهد. امکانات غیر نظامی در مهار سیا نیز.

ژرژ کارول در واشنگتن شروع به مطالعه ابتدائی برای تهیه نقشه نظامی کرد. اشخاصی که در تهیه این نقشه، کمکشان بخصوص ارزشمند بود، عبارت بودند از ژروم اف. برگرت Jerome F. Bergert، ویلیام فولکس ژیر Willim Fowiks, Jr و اوژن ا. سیلسدورف Eugene E. Cilsdorf و الیزابت ا. مک نیل Elisabeth E. McNeill و بتی ژ. کالدول Betty J. Caldwell و آرتور دبل بو، دوبوا Arthur W. Dubois.

از راه تلگرامهائی که در تابستان با پایگاه سیا در تهران رد و بدل کردیم، کوشیدیم تازه ترین اطلاعات را در باره توان رزمی ارتش ایران بدست آوریم. میز ایران در ژ - ۲ وزارت دفاع امریکا می‌کوشید هر نوع اطلاعی را که بکار تهیه این نقش آید، بدست آورد. اطلاع در دسترس در این ژ - ۲ همواره ناموجود بود. اطلاعات مربوط به زندگی نامه رهبران نظامی بس ناچیز بودند. ژ - ۲ فاقد نقشه تاکتیکی بود که محل استقرار قوای در تهران نشان دهد. باید پذیرفت که سیا نیز برای تهیه نقشه این نوع عملیات آمادگی پیدا نکرده بود. و کار سنگینی در محل می‌باید انجام می‌گرفت و این در حالی که پایگاه سیادست اندرکار آغاز مراحل آژاکس بود.

مشکل اولی که تهیه نقشه با آن روبرو بود، این بود که نه در محل و نه در مراکز (سیا و وزارت دفاع) اطلاع تفصیلی پیرامون چهره‌های نظامی ایران وجود نداشت. پیش از آن، سیا توجه کافی به این امر مبذول نکرده بود.

بتدریج که زمان پیش می‌رفت، ما می‌آموختیم که گزارشهای عملیاتی تا کجا اهمیت دارند و بلکه حیاتی هستند.

در طول ماه ژوئن، گروه مطالعه و تهیه نقشه، اطلاعاتی از ایران دریافت کرد که امکان دادند در باید قوای مستقر در تهران در چه کارند. گزارشهای واصل از ایران توضیح می‌دادند که در تهران، ۵ تیپ مستقر هستند. از آنها، سه تیپ کوهستانی و دو تیپ زرهی. افزون بر این ۵ تیپ، چهار نیروی مسلح دیگر وجود داشتند: ژاندارمری و شهربانی و گارد مسلح گمرک و قوای تحت امر فرمانداری نظامی تهران. و نیز، دانست که رئیس ستاد جوان ارتش، سر تیپ تقی ریاحی و اعضای ستاد او از اعضای حزب ایران طرفدار مصدق گزیده شده‌اند. بدینسان، فرض این بود که رئیس ستاد و اعضای ستاد در مهار مصدق هستند. و نیز فرض بر این بود که سه تن از ۵ تن فرماندهان تپها بطور کامل تحت امر سر تیپ ریاحی بودند. بنا بر آزمون، این فرضها واقعیت داشتند. انتلیجنت سرویس گزارش کرد که سرهنگ اشرفی، فرماندار نظامی تهران و فرمانده تیپ سوم کوهستانی، ممکن است به قوای مجری نقشه آژاکس بیبوندند. این اطلاع بعداً غیر صحیح از آب درآمد اما گروه تهیه کننده نقشه نظامی، در ماه ژوئن، می‌باید آن را مفروض می‌انگاشت. این امر که سر لشکر زاهدی که در نقشه آژاکس، نخست وزیر در نظر گرفته شده بود، هنوز دست مایه نظامی در اختیار نداشت، با تهیه نقشه جور نبود. به سر لشکر زاهدی حتی در تشکیل دفتر نظامی خود نیز نمی‌شد تکیه کرد.

در اوائل ژوئیه شاخه عملیاتی به تهیه نقشه برای خنثی کردن پادگان تهران و منزوی کردن تمامی دیگر تپها در ایران، توانا شد. آن زمان، معلوم شد که سیا بر نیروهای بسیار اندکی می‌توانست تکیه کند. بیش از همه، بر تیپ سوم کوهستانی در تهران. از این رو، نقشه اولیه ما بر استفاده از تیپ سوم کوهستانی، برای دستگیری و توقیف افسران ستاد ارتش و نیز توقیف و خنثی کردن تمامی دیگر نیروهای مستقر در شهر تهران، بنا می‌شد.

از آنجا که سیا هیچگونه نیروی نظامی که به اجرای نقشه آژاکس یاری رساند، در اختیار نداشت، بنا شد به سرهنگ عباس فرزانتگان، عامل پایگاه سیا، تعلیمات داده شود. در یک خانه امن، در واشنگتن، فرزانتگان تحت تعلیم قرار گرفت. فرزانتگان نمی‌دانست او را برای چه کاری آماده می‌کنند. گرچه در مدرسه فرماندهی و ستادکل (در پادگان لون ورت Leavenworth، او تعلیمات عالی در لجستیک دیده بود، اما هرگز در عملیات نظامی شرکت نجسته بود. باید افزود که بمدت چند سال، او معاون وابسته نظامی ایران در واشنگتن بود. پیش از آن نیز افسر رابط ارتش ایران با هیأت مستشاری نظامی امریکا در تهران بود. از این رو، او بر روشهای نظامی امریکا نیک دانا بود. بنا بر حرفه، او افسر مخابرات بود. بخاطر شدت حساسیت تی پی آژاکس TPAJAX از فرزانتگان آزمایش شد. با دستگاه دروغ سنج آزمایش شد. در روزهای اول ماه ژوئیه، فرزانتگان مأمور شد به تهران برود و تمامی روابط دیرین با ارتشیان ایران را، از نو، برقرار کند.

در ماه ژوئن، کارول مأمور شد بطور موقت به قبرس برود و با دونالد ویلبر **Donald Wilber**، افسر برنامه‌گذار برای خاورمیانه و شمال آفریقا و انتلیجنت سرویس، همکاری کند. همکاری با انتلیجنت سرویس را، کارول بر جنبه‌های نظامی نقشه متمرکز کرد تا اندازه نیروهای نظامی را بدست آورد که انتلیجنت سرویس بر آنها مهار داشت. مرکز (سیا) سخت‌نگران بود. زیرا بنا بر نقشه، شاه فرمان عزل مصدق را صادر می‌کرد. اما هیچ اطمینانی وجود نداشت که در صورت اطاعت نکردن مصدق از فرمان، افسران ارتش و افراد آن سازمان کافی را برای راندن مصدق از مقامش، داشته باشند. در حقیقت، سیا و انتلیجنت سرویس نیروهای نظامی قابل سازماندهی برای تبدیل شدن به نیروی رزمنده، در اختیار نداشتند و بیم از آن بود که تدارک نیروهای نظامی جدید و سازمان دادن آنها برای تبدیل شدن به نیروی رزمنده، بموقع انجام نیاید.

در قبرس، انتلیجنت سرویس گفت در میان ارتشیان، چندین دوست داریم اما از میان دوستان آنها، تنها افسری که می‌توانست به اجرای نقشه ما کمک کند، سرهنگ اشرفی بود. انتلیجنت سرویس بر این بود که ما باید فرض را بر این بگذاریم که سرهنگ اشرفی همکاری خواهد کرد. برنامه‌گذار نظامی که کارول بود تردید داشت که یک تیپ برای سرنگون کردن مصدق کافی باشد و صادقانه می‌گفت که نقشه نظامی ما باید سخت‌تر آزمایشی تلقی شود. و نیز، او گفت امیدوار است بارسیدن به تهران، افزون بر سرهنگ اشرفی، نیروهای دیگری را بیاید. از نظر نظامی، مباحثات قبرس سخت‌تر ناامیدکننده بود زیرا روشن می‌گرداند که کار بزرگ می‌خواهیم انجام دهیم اما وسائل اندک بیش در اختیار نداریم. و باز آشکار کرد که کارول و سرهنگ فرزانتگان باید هرچه زودتر وارد ایران شوند. زیرا در آنجاست که نقشه نظامی بضرورت باید کامل می‌گشت.

در ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر)، کارول به لندن رفت. در آنجا، انتلیجنت سرویس نقشه نظامی را طی دو روز مطالعه کرد و آن را با اظهار نظرهای کمی، پذیرفت. انتلیجنت سرویس پذیرفت که اگر تی پی آژاکس **TPAJAX** بخواهد با موفقیت اجرا شود، سیا باید کار را از صفر شروع کند و با سرعت کار کند تا مگر در میان فرماندهان ارتش ایران، دوستان قوی بجوید. در لندن، کارول، با تفاق سرگرد کین **Keen** و دو افسر دیگر ارتش انگلیس که مأمور خدمت در انتلیجنت سرویس بودند، دو نقشه نظامی را که شاخه عملیات ویژه تهیه شده بودند، را بررسی کردند.

هر دو نقشه نظامی ما همان فهرست توقیف شونده‌گان نظامی و غیر نظامی را در بر داشتند. این فهرست‌ها حاصل مطالعه طولانی در شناسایی ایرانیان هوادار مصدق بود. در عمل، ثابت شد که دست کم ۹۰ درصد آنها صحیح بوده‌اند. پس از آنکه کارشناسان و زندگی‌نامه دانان انتلیجنت سرویس آنها را مطالعه کردند، انگلیسها فهرست‌ها را تصویب کردند. در سومین فهرست توقیف شونده‌گان، شامل توده‌ایها، توسط کارشناسان حزب توده، بدقت مطالعه شد و بدون کم و بیش کردن، تصویب شد. اینطور معلوم شد که ارزیابی ما از ایرانیان، بر مبنای اطلاعات تقریباً مشابهی بعمل آمده‌است.

در همان حال که فهرستهای توقیف شونده‌گان توسط کارشناسان انتلیجنت سرویس مطالعه می‌شد، کارول و سرگرد کین و سرگرد انگلیسی به کار بررسی دو نقشه نظامی پرداختند. نقشه اول بر این فرض طراحی شده بود که سرهنگ اشرفی یک عامل انگلیسی تحت مهار است (و تیپ سوم کوهستانی از او فرمان می‌برد). بعد از آزمون جزء به جزء هدفهایی که بنا بر نقشه، در تهران، می‌باید خنثی می‌شدند (کارخانه تسلیحات ارتش، وزارت پست و تلگراف و تلفن، ستاد ارتش و...) انتلیجنت سرویس گفت: فهرستی که شما از هدفهایی تهیه کرده‌اید که باید خنثی شوند و وظائفی که ما برای هر یک از ابوابجمعی تیپ سوم معین کرده‌ایم، و نیز صحیح هستند و محلی که برای پیشنهاد روش دیگر قائل شده‌اید، صحیح هستند.

بعد، ما به بررسی نقشه نظامی دوم خود پرداختیم. این نقشه بر این فرض طراحی شده بود که کارول، در تهران، موفق می‌شود همکاری نیروهای دیگری را جلب کند که قادر می‌شوند سه تیپ را به مهار خود در آورند. ما قبول داشتیم که بنا بر همکاری یک تیپ از پنج تیپ گذاشتن، خود را یکسره به بخت و اقبال سپردن است. در صورت امکان، ما می‌باید نیروهای دیگری را بخدمت در می‌آوردیم. انتلیجنت سرویس نقشه را تصویب کردند و هر دو نقشه را در اختیار یک سر تیپ گذاشت. روز بعد، او هر دو نقشه را بدون اظهار نظری بازگرداند.

در طول این گفتگوها، تلگرافی از تهران، از راه قبرس رسید. در آن، با یگانہ سیا «نیروهای نظامی» سرلشکر زاهدی را گزارش می‌کرد. این پیام تمامی ترسهای ما را تأیید می‌کرد. با یگانہ سیا مدت‌ها کوشیده‌است سرلشکر زاهدی را متقاعد کند که او باید فهرستی از نیروهای نظامی در اختیار خود را ترتیب دهد و چگونگی بکار بردن آنها را معین کند. سر انجام سرلشکر زاهدی گزارش کرد که هیچیک از ۵ تیپ در مهار او نیستند. طرح نظامی او بر امکان استفاده از گارد شاهنشاهی و برخی از واحدهای اداره ترابری ارتش و قسمتهایی از شهربانی و گارد گمرک، بنا می‌شد. و نیز، او امیدوار بود سرهنگ تیمور بختیار بتواند از کرمانشاه نیرو به تهران بیاورد. انتلیجنت سرویس از کارول خواست ارزیابی خود را از نقشه زاهدی برای آنها بنویسد. در ارزیابی خود، کارول اظهار نظر کرد که شاه فرمان عزل مصدق و نصب زاهدی را به نخست‌وزیری امضاء نمی‌کند تا وقتی که زاهدی بر او معلوم نکند چگونه می‌توان قوای نظامی مستقر در تهران را از تسلط سر تیپ ریاحی، رئیس ستاد ارتش، رها کرد. او احساس کرد اگر تی پی آژاکس **TPAJAX** بخواهد با موفقیت به عمل در آید، می‌باید در ۵ تیپ مستقر در تهران، نیروهائی هوادار اجرای طرح بگردند.

در لندن، انتلیجنت سرویس، بر این نظر بود که در عملیات نظامی، این اولویتها باید رعایت شوند:

- ۱- تصرف و اشغال نقاط معین شده،
- ۲- دستگیر و زندانی کردن اشخاصی که اسامی آنها در فهرست‌ها مندرجند،
- ۳- خنثی کردن قوای نظامی هوادار مصدق در تهران،
- ۴- خنثی کردن شهر تهران (از عمل بازداشتن مردم تهران) و
- ۵- تقویت قوای هوادار زاهدی در تهران با قوای خارج از تهران.

این اولویتها دستور العمل شدند زیرا بایسته آن بود که ارتباطات هرچه زودتر قطع شوند تا هواداران مصدق نتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

کارول، در پایان این گردهما، با اولین هواپیما، لندن را ترک گفت. او در ۲۱ ژوئیه وارد تهران شد و با سرهنگ فرزانتگان تماس گرفت.

با حلاجی کردن گزارش فرزانتگان، پیرامون تماسها و گفتگوهای مهم خود (بعد از ورودش به تهران)، کارول نام دو افسر را یافت که از لحاظ اجرای نقشه، امید نوید می‌دادند. فرزانتگان گفتگوهای خود را با سرلشکر نادر باتمانقلیچ و سرهنگ حسن اخوی، در گزارش خود آورده بود. هر دو از دوستان قدیمی و خوب فرزانتگان بودند. هر دو افسر ترس از حزب توده را منعکس می‌کردند که در پی نمایش قدرت ۲۱ ژوئیه، همگانی شده بود. گویران **Goiran** و گودوین **Goodwin** و کارول توافق کردند که کارول هرچه زودتر باید با افسری که زاهدی مأمور کار بر روی طرح کرده‌است، دیدار و گفتگو کند. زاهدی هیچگاه دفتر نظامی تعیین نکرد و لازم بود که ما دفتر نظامی خود را ایجاد و بسط دهیم.

بعلت موقعیت آشکارا ضعیف سرلشکر زاهدی در میان نظامیان شاعل و بخاطر اینکه روشن بود که سیا می‌باید ابتکار عمل را در دست بگیرد و نقشه نظامی و نیروهای نظامی تدارک کند، به پی بردن به توانهای در اختیار سرهنگ اخوی شتاب داده شد. سرهنگ فرزانتگان مأمور شد معین کند چه امکاناتی را سرهنگ اخوی می‌تواند در اختیار ما قرار دهد. سرهنگ اخوی نخست «نقشه الف» را پیشنهاد کرد. نقشه یک کودتای نظامی بدون اینکه معلوم باشد چگونه می‌باید اجرا شود. بعد به سرهنگ فرزانتگان تأکید شد سرهنگ اخوی را متقاعد کند واقع بین تر شود. و در ۳۰ ژوئیه، از سرهنگ اخوی نقشه‌ای رسید که مشخص‌تر اما سخت‌تر ناقص دریافت شد. سرهنگ اخوی می‌گفت او می‌تواند، ظرف دو ساعت، توقیف‌ها را بعمل آورد و هدفهای تعیین شده در نقشه را به اختیار در آورد. تأسیسات و نیروهای نظامی که حاضر به همکاری نمی‌شوند را خنثی کند. ادعائی بی‌معنی بود. مهمترین امری که در گزارش سرهنگ اخوی بود، این بود که او با سه سرهنگ جوان در ارتباط است که در پادگان تهران، احتمالاً قوای مهمی را تحت امر دارند. سرهنگ اخوی همچنین به سرهنگ فرزانتگان گفته بود سرلشکر باتمانقلیچ فاقد شجاعت است اما اگر شاه او را رئیس ستاد ارتش کند، قوت قلب پیدا می‌کند. سرهنگ اخوی نامی از سرلشکر زاهدی نبرد و بنظر نمی‌رسید که با او در ارتباط باشد. سرهنگ فرزانتگان به سرهنگ اخوی گفت او را با یکی از دو امریکائی در تماس می‌گذارم که در امریکا ملاقاتش کرده‌است.

در این زمان، شاه نیز خاطر نشان کرد که بر قوای نظامی مهمی مهار ندارد.

کارول در ۲ یا ۳ اوت (۱۰ تا ۱۱ مرداد) با اخوی و فرزانتگان ملاقات کرد و برنامه‌گذاری را شروع کرد. سرهنگ اخوی سخت مایل بود کاری بکند. اما نمی‌دانست

آن را چگونه باید بکند. او گفت او دوستانی دارد که می توانند تپهای دوم و سوم کوهستانی را به مهار خود در آورند اما به سرهنگ اشرافی، فرمانده تپ سوم کوهستانی (که گفته می شد عامل انتلیجنت سرویس است) و به سرهنگ ممتاز فرمانده تپ دوم کوهستانی، اعتماد ندارد. سرهنگ اخوی گزارش کرد که سرلشگر باتمانقلیچ، روز پیش، با او گفته است: اگر شاه وارد عمل شود، او حاضر به انجام هر خدمتی و در صورت لزوم مردن بخاطر شاه است. در پی این دیدار با سرهنگ اخوی، معلوم شد که او خود بر نیروئی فرماندهی ندارد و تنها امیدوار است دوستان خود را قانع کند که عمل کنند.

بعد، کارول مستقیماً با سرهنگ اخوی و دوست او دیدار کرد. دوست او سرهنگ زند کریمی، معاون سرهنگ ممتاز از کار درآمد. سرهنگ زند کریمی فهرست بلند بالائی از نیروها در پادگانهای تهران، بخصوص معاونان فرماندهان تپها و فرماندهان هنگها، ارائه کرد. در روزهای ۶ و ۷ و ۸ اوت (۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مرداد)، سرهنگها، اخوی و زند کریمی و فرزاتگان نقشه ای را آوردند که بر پایه واحدهائی تهیه شده بود که بنا بر قول سرهنگ زند کریمی تحت فرمان دوستان او بودند. سرهنگ زند کریمی گفت دوستان اصلی او عبارتند از سرهنگ حمیدی افسر پلیس تهران و سرهنگ اردوبادی افسر ژاندارمری منطقه تهران و سرهنگ منصور پور فرمانده سوار نظام. او ابراز اطمینان می کرد که بدست این دوستان و دوستان دیگری که در میان فرماندهان هنگها و گردانها دارد و برخی از آنها بر واحدهای مهم پادگان تهران فرماندهی می کنند (سرهنگ روحانی، معاون فرمانده تپ سوم کوهستان، سرهنگ دوم خسروناه، فرمانده هنگ توپخانه تپ دوم کوهستان، سرهنگ دوم یوسفی که به زودی فرمانده هنگ توپخانه تپ سوم کوهستانی می شد)، پیروزی نهائی از آن ما می شود. از راه این افسران، سرهنگ زند کریمی با فرماندهان گردانهای توپخانه و بسترین فرماندهان گروهانها در ارتباط بود. با اینهمه، این افسران آن سازماندهی و تعلیم و تربیت را پیدا کرده بودند و آمادگی آن را نداشتند که مهارت را قطع کنند که سر تپ ریاحی از طریق فرماندهان تپها مستقر در تهران بر قرار کرده بود. برای مثال، اگر می خواستیم موفق شویم، می باید سرهنگ شاهرخ، فرمانده تپ اول زرهی و سرهنگ پارسا، فرمانده تپ اول کوهستانی و احتمالاً سرهنگ اشرافی، فرمانده تپ سوم کوهستانی و فرماندار نظامی تهران را توقیف کنیم. سرهنگ نوذری، فرمانده تپ دوم زرهی، احتمالاً بی طرف می ماند اما بنظر ما لازم می رسید که معاون او، نایب سرهنگ بهرامی باید توقیف می شد.

بدینسان، از دیدگاه نظامی، روشن شد که موفقیت ما بستگی پیدا می کرد به این امر: آیا پیش از آنکه ما دوستان سر تپ ریاحی را توقیف کنیم، او دوستان ما را توقیف می کند یا نه؟ محک توانائی، تأییدی بود که می توانستیم برای تمامی دوستان خود، در دوره آماده کردنشان برای ورود به عمل، بر قرار کنیم. و نیز روشن بود که می باید تدبیری بیاندیشیم تا اگر دسته اول افسران ما دستگیر شدند، بتوانیم نقشه خود را اجرا کنیم. بدین خاطر، با تفاق سرهنگها (فرزاتگان و زند کریمی) بمدت دو شب روی سیستمی کار کردند که اگر افراد گروه اول توقیف شدند، سیستم همچنان عمل کند.

علامت خطری که با مشاهده آن، فرماندهان گردانها و گروهانها می باید مستقل عمل می کردند توقیف سرهنگ زند کریمی و نزدیکترین دوستان او بود. ضعف نقشه ما در این بود که پایگاه سیا خود با فرماندهان گردانها و گروهانها ارتباط نداشت و از راه زند کریمی می باید ارتباط می جست. بهنگام بحث پیرامون این امر، سرهنگ زند کریمی گفت: او می تواند با پائین ترین ردههای فرماندهی ظرف ۴۸ ساعت بعد از دریافت فرمان شاه، تماس بر قرار کند.

تردید شاه در امضای فرمان بسود ما شد. زیرا چند روز مهم در اختیار ما گذاشت که در آنها، ما با سرهنگ زند کریمی، در کامل کردن نقشه خود کوشیدیم. نقشه ای که بر استفاده از واحدهای تحت فرمان دوستان زند کریمی، طراحی شده بود. این مشکل پیچیده شد وقتی سرهنگ اخوی سخت بیمار شد و سرانجام ناگزیر شد بستری شود. همچنانکه روز عمل نزدیک می شد، تنش بیشتر می شد و ربط تنش ناشی از ترس با بیماری سرهنگ اخوی، غیر قابل فهم نبود. با وجود این، سرهنگ اخوی توانست بر سر پا ایستد و در ۹ اوت با شاه دیدار و گفتگو کند. بعدها ثابت شد که این گفتگو در موفقیت مرحله نظامی تی پی آژاکس TPAJAX نقشی حیاتی داشته است. تا وقتی سرهنگ اخوی شاه را ببیند او مطمئن نبود که دوستان وی در پایگاه تهران آماده اند بدون تصویب شاه، عمل کنند. بعد از دیدار با شاه، سرهنگ اخوی توانست به سرهنگ زند کریمی بگوید که شاه خواهان حمایت نظامیان است، آنگاه که بر آن شود فرمان را امضاء کند.

شاه از سرهنگ اخوی پرسیده بود اگر او فرمان عزل مصدق را صادر کند، ارتشیان حمایت خواهند کرد یا خیر؟ سرهنگ اخوی به شاه گفته بود با کارول دیدار کرده و نقشه سنجیده ای تهیه شده است که اگر درست اجرا بشود، پیروزی را تضمین می کند. بعد، شاه از اخوی نامه ای افسرانی را پرسیده بود که حاضر بوده اند همکاری کنند. و اخوی همان اسامی را گفته بود که پیش از آن، از راه اسدالله رشیدیان، مادر اختیار شاه گذاشته بودیم. شاه از اخوی خواسته بود دیدار سرلشگر زاهدی برود.

با گزارش مفاد اساسی گفتگوهایش با شاه، سرهنگ اخوی از پایگاه سیا پرسید: آیا امریکا می خواهد از سرلشگر زاهدی حمایت کند؟ به او گفته شد امریکا می خواهد از او حمایت کند. هر دو افسر گفتند ماههاست هیچگونه رابطه ای با سرلشگر زاهدی ندارند اما فکر می کنند او رهبر بسیار خوبی است. در شهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ اوت (۲۰ و ۲۱ و ۲۲ مرداد ۱۳۳۲)، نقشه عملیات همچنان بر بکار بردن ۴۰ فرمانده در صف که در تپهای مستقر در تهران خدمت می کردند، بنا داشت. سرهنگ اخوی با سرلشگر زاهدی دیدار کرد و او پذیرفت سرلشگر باتمانقلیچ می تواند رئیس ستاد ارتش بگردد. باتمانقلیچ خواست با کارول دیدار کند و با او و سرهنگها فرزاتگان و اخوی و زند کریمی در باره نقشه ها گفتگو کند. این دیدار بتأخیر افتاد تا زمانی که احساس کردیم نقشه بقدر کافی کامل است برای آنکه سرلشگر باتمانقلیچ برابر آن عمل کند.

در ۱۱ اوت (۲۰ مرداد)، زاهدی از اخوی خواست باتفاق فرزاتگان بدیدار او بروند. سرلشگر زاهدی و فرزاتگان بمدت ۳ ساعت گفتگو کردند. فرزاتگان گزارش کرد سرلشگر زاهدی امداد امریکائیان را سخت ارج نهاد و از فرزاتگان خواست افسر رابط میان او و امریکائیان در امور نظامی بگردد و نیز از او خواست افسر مسئول دفتر نظامی او بگردد که در جریان هفته گذشته با کارول ملاقات کرده است.

در ۱۲ اوت (۲۱ مرداد)، فرزاتگان سرلشگر باتمانقلیچ را بدیدار سرلشگر زاهدی برد و سرلشگر باتمانقلیچ به سرلشگر زاهدی هرگونه یاری داد. و نیز، فرزاتگان سرهنگ زند کریمی را بدیدار زاهدی برد و او گزارش پیشرفت نقشه عملیات نظامی را به زاهدی داد. اینک که بعد از وقوع به گذشته می نگرییم می بینیم نیکوتر آن بود که وقت بیشتری را می باید صرف بررسی نقشه عملیات باتفاق زاهدی و سرلشگر باتمانقلیچ می کردیم. زیرا در آن زمان، زاهدی می باید اجرای مرحله نظامی تی پی آژاکس TPAJAX را در دست می گرفت حال آنکه هیچیک از افسران جوان دست اندر کار رانمی شناخت و سرلشگر باتمانقلیچ نیز تعداد کمی از آنها را می شناخت.

در بعد از ظهر ۱۵ اوت (۲۴ مرداد)، کارول با سرلشگر باتمانقلیچ و اعضای دفتر نظامی مرکب از سرهنگ فرزاتگان و سرهنگ اخوی و سرهنگ زند کریمی دیدار کرد. در انتظار صدور فرمانها بودند. بیشتر گفتگوها در این باره بود که چه مدت لازم است برای اینکه زند کریمی با ۴۰ فرمانده در صف دوست ما تماس بر قرار کند. بعد از یک بحث طولانی، همه پذیرفتند که از زمان صدور فرمانها (عزل مصدق و نصب زاهدی)، ظرف ۴۸ ساعت، عملیات می باید آغاز بگیرند. و نیز موافقت شد که سرهنگ نصیری، فرمانده گارد شاهنشاهی، فرمان عزل مصدق را به او تسلیم کند پیش از آن، سرهنگ نصیری می باید راد یونی را به پایگاه سیا می فرستاد که بر اساس طول موج فرستنده فرماندهی سرهنگ زند کریمی، تنظیم شده باشد.

سرهنگ نصیری فرمانهای امضاء نشده را، در ۱۳ اوت (۲۲ مرداد)، به رامسر برد.

## پیوسته انتقاد نظامی: درسهای که از تی پی آژاکس، جنبه های برنامه گذاری نظامی کود تا گرفتیم:

۱ - مسئله ارزیابی کارکنان:

الف - اگر سیا می خواهد یک حکومت خصم را، با بکار بردن نیروهای مسلح بر ضد آن، سرنگون کند، سیا می باید نیروهای دوست را شناسائی کند، با آنها تماس بر قرار کند و با موفقیت بکارشان برود.

ب - تصمیم به یک کودتای نظامی تنها زمانی باید اتخاذ شود که قطعی شده باشد که قوای بکار بردنی بالقوه وجود دارند. در این ارزیابی، می‌باید میان «فعلان» و «هماواز اما ناکارآمد» تمیز داد. وقتی بنا بر ارزیابی نیروها می‌شود، آنگاه تجربه نشان می‌دهد، داشتن زندگی نامه تفصیلی، در صورت امکان، از تمامی کارکنان نظامی که حضورشان بر چند و چون عملیات داشته باشد، ضرور است. زندگی نامه‌های دوستان و هم‌دشمنان ضرور هستند.

ج - زندگی نامه‌ها را نمی‌توان در کوتاه مدت فراهم کرد. باید بطور مداوم اطلاعات، حتی جزئیات، پیرامون زندگی شخصی افسران گردآوری شوند. وابسته‌های نظامی مجاری معمولی برای بدست آوردن این گزارشها دارند. اما گروه مستشاری و کمک نظامی، در هر کشور که بکار هستند، بهترین منبع اینگونه اطلاعات هستند. زیرا آنها درکنار افسران بومی کار می‌کنند و با آنها به تفریح می‌روند. تجربه ما می‌گوید در این باره تأکید بایسته بعمل نیامده است. اطلاعات ارسال شده و در پرونده‌های افسران گرد آمده، جز اشاره‌های کوتاه به مأموریتها، ترفیعات، مدالها و نشانها، نیستند. از تمامی اطلاعاتی که می‌باید نشان دهند این افسر به راستی چه کسی است، چه عواملی او را بر می‌انگیزند، دوستان او چه کسانی هستند و... غفلت شده است.

د - زندگی نامه‌های عاملان سیاه و نیروهای مسلح کاملتر است اما این عاملان اغلب در رکن دوم ستاد ارتش و ادارات دیگر هستند و نه در میان فرماندهان نیروها.

ه - وقتی هم که زندگی نامه‌های افراد نظامی، حاوی اطلاعات کافی و انگیزه هاشان، در اختیار هستند، کار بعدی ما نقد دقیق منش هر فرد نظامی تحت ارزیابی است. در این نقد افراد، به معرفت روشن بر سنتها نظامی محلی، نیاز است. برای مثال، در ایران، ارتش سنت جدید شکست دارد. افسر ایرانی، معمولاً بی تصمیم است و حقارت خویش را باگرافه‌گونی و با منم کردن می‌پوشاند. از این رو، مگر بخت یاری کند که بتوان رهبرانی یافت که بخواهند رهبری کنند و از جان مایه بگذارند. می‌توان گفت شاه «نمونه نوعی» خوبی از افسر ایرانی است. ضعف او در تمامی افسران ارتش بازتاب یافته بود.

به سخن دیگر، یک رهبر واقعی، در ارتش، کسی است که به اندازه وزنش طلا است. زیرا ارزش او در ایران بسیار بیشتر از کشورهای دیگری است که در آنها، شجاعت ارزش است.

و - پس از آنکه ارزیابی شخصی افسران کامل شد، سیا افسران خوب و بد را، در همه بخشها، باید تمیز دهد. انگیزه‌های سیاسی و وطن دوستانه، تا آنجا که ممکن است، می‌باید برآورد شوند. ذیل ارزیابی افسران، محیط سیاسی می‌باید شناسایی شود. عملیات غیر نظامی، برای آنکه شرائطی درخور تشدید یا تضعیف انگیزه‌ها فراهم آیند و بدان، عوامل و نیروهائی به صحنه درآیند که هنوز حضور ندارند، ممکن است ضرور شوند.

ز - دوستی نسبت «دنیای آزاد» و «امریکا» و «سازمان ملل متحد» و «استعمار سفید» و بسیاری انگیزه‌های سیاسی دیگر در همه کشورها یافت می‌شوند. سیا، در ایران، افسران را عموماً «هوادار شاه»، «هوادر مصدق»، یا «ابن الوقت» یافت. شدت انگیزه‌های سیاسی هر فرد، در هر مورد، بیش یا کم و اغلب کم اهمیت تر از انگیزه‌های شخصی، چون جاه‌طلبی، حسادت، بیزاری افسران جوان از افسران پیر و برعکس، است. سنت انقلابی نظامی در ایران وجود ندارد. اما رضا شاه مهار حکومت را با بکار بردن موقعیت نظامی خود، بمثابه سکوی پرش، بدست آورد. با اینهمه، انگیزه سیاسی افسران و انگیزه‌های شخصی در محیط سیاسی، عواملی بودند و هستند که در ارزیابی افراد نظامی، می‌باید در نظر گرفت.

ح - در ایران، شاه هم فرمانده کل قوا است و هم رئیس دولت است. ارزیابی او از هر دو نظر اهمیت برابر داشت. از دیدگاه نظامی، شاه، بمثابه فرمانده کل قوا، می‌باید ارزیابی می‌شد. این ارزیابی می‌باید شامل ژرفای نفوذ او، توانائی فرماندهی او و شجاعت او زیر آتش، می‌گشت. استفاده از او بمثابه نقطه کانونی یا محور همگرانی که بر آن اشخاص و گروههای نظامی می‌توانند گرد آیند نیز می‌باید موضوع ارزیابی می‌شد.

بی آنکه دلایل را بیآوریم، گوئیم که ارزیابی ما از بایسته بودن استفاده از شاه در زمینه‌های زیر، مثبت بود:

۱ - در مقام رئیس دولت حکومتی را که خصوصت می‌ورزد، برکنار می‌کند؛

۲ - فرمانده کل قوا و مظهر گردآوری و انسجام است.

در زمینه‌های زیر، ارزیابی ما از شاه منفی بود:

۱ - فرمانده کل قوا بمثابه بر نامه‌گذار و شرکت کننده در عمل نظامی، بکار نمی‌آید؛

ط - حاصل ارزیابی از شاه این شد که او را بمثابه مظهر بکار بردیم در برانگیختن بخش مهمی از ارتشیان به عمل.

ی - ارزیابیهای ما از افراد نظامی ما را به این نتیجه رساند که سرلشگر زاهدی بهترین افسری است که توانائی رهبری قوای بسود شاه و بر ضد حکومت خصومت ورز دارد. دلایل ما عبارت بودند از

۱ - او تنها مردی در ایران بود که آشکارا در پی رسیدن به مقام نخست وزیری است؛

۲ - او در عمل شهامت یگانه‌ای از خود نشان داده است؛

۳ - در گذشته نیز، او شجاعت خود را نشان داده است. او در ۲۵ سالگی، بمثابه یک سرباز، در جنگ با بلشویکها، توانائی فرماندهی از خود نشان داد و درجه سرتیپی یافت.

انقلاب اسلامی: آمده است که او در ۲۷ سالگی درجه سرتیپی یافت.

۴ - یک پزشک امریکائی او را، با برداشتن ۴ دنده او، از مرگ نجات داد.

۵ - او به هواداری امریکا شناخته بود و فرزند خود اردشیر زاهدی را برای تحصیل، بمدت ۶ سال، به امریکا فرستاده بود. در مقام یک سرلشگر ارشد، از احترام بسیاری از افسران ارشد و جزء، برخوردار بود.

صفات منفی او عبارت بودند از

۱ - چندین سال از ارتش خارج بود و افسران جوان را نمی‌شناخت؛

۲ - در برخی محافل، مردی پولکی بشمار می‌رفت. قابلیت او برای رهبری یک کودتا شناخته نبود. او هرگز افسر ستاد و دفتر نشده بود و همواره افسر صف و فرمانده بود؛

۳ - بیشتر دوستانش غیر نظامی بودند. دوستان نظامی اندک شماری می‌داشت.

ک - ؟

ل - در واشنگتن، ارزیابی دقیق فرماندهان پادگانهای تهران، تا وقتی تعلیمات به پایگاه سیا، برای در اختیار گذاشتن اطلاعات، داده نشدند، پیشرفت نمی‌کرد. برای مثال، مرکز سیا نامهای هیچیک از فرماندهان تیپهای مستقر در تهران را نمی‌شناخت. شگفت اینکه رکن دوم (اطلاعات) وزارت دفاع نیز هیچگونه اطلاعاتی نداشت. نه رکن دوم وزارت دفاع و مرکز سیا هیچ تصویری از ترتیبات نظامی و جنگی در ایران نداشتند. پیش از ارزیابی دقیق از فرماندهان صف، پایگاه سیا در تهران می‌باید اطلاعات نظامی را به مرکز سیا می‌فرستاد. این اطلاعات را وابسته‌های نظامی، روز به روز، می‌باید گرد می‌آوردند.

انقلاب اسلامی: افسران دو دسته‌اند: افسران صف که فرمانده واحد‌های نظامی در عملیات نظامی هستند. و افسران دفتری که بکارهای اداری و سازماندهی می‌پردازند.

م - هنوز ارزیابی شخصی افسران در مرکز سیا انجام نگرفته، وزارت امور خارجه تصمیم به براندازی حکومت مصدق را، با توسل به هر وسیله ممکن، گرفته بود. این تصمیم، بدون تصور روشنی از وضعیت نظامی ایران، حتی بدون داشتن فهرستی از افسران و مناصب و وظایف آنان و بدون داشتن عوامل میان افسرانی که مقامهای فرماندهی داشتند، گرفته شده بود. بنا بر این، قابل درک است که چرا در تمامی مراحل عملیات نظامی ما، می‌باید حرکت هرچه شتاب‌گیر تر می‌شد. ارزیابیهای ما باید شتابان انجام می‌شدند و تصمیمها می‌باید گرفته می‌شدند. بدیهی است که امنیت کمتر از وقتی می‌شد که هرکار بموقع خود انجام می‌گرفت.

ن - ارزیابی ما از رئیس ستاد ارتش منصوب مصدق، سرتیپ تقی ریاحی، با دقت انجام گرفت. ما او را در پرتو تمامی محیط زندگیش، مطالعه کردیم. این مطالعه شامل اشخاصی که سرتیپ ریاحی با آنها زندگی می‌کرد نیز می‌شد. اشخاصی که او از کار برکنار کرده بود، اشخاصی که او بکارگمارده بود، اشخاصی که در ستادگرد

آورده بود، اشخاص سیاسی که جمع او با آنها جمع بود نیز، مطالعه شدند. از دیدگاه سیاسی، جای برای شک نبود که مصدق رئیس ستاد خود را خوب انتخاب کرده بود. (ما مطمئن بودیم که ریاحی چون سایه دنبال مصدق می‌رود و از شاه پیروی نمی‌کند). اما از نظرگاه نظامی، سر تیپ ریاحی چند ضعف داشت. ما مطمئن نبودیم اما می‌توانستیم استنباط کنیم که ریاحی بدین خاطر که افسر صف نیست و تجربه فرماندهی و رزم را ندارد، بوقت پدید آمدن معرکه، ناتوانی بروز خواهد داد که می‌تواند مهم و تعیین کننده باشد. شجاعت و پاکی او محل بحث نبودند. ما پی بردیم که او به سه تن از اعضای برجسته حزب ایران هوادار مصدق هم خانه است و گروه هواداران مصدق در ارتش را رهبری می‌کند. او و بیست و هفت همکاران او در ستاد ارتش تحصیل کرده فرانسه هستند. اینان در کار دفتری و ستادی بسیار دقیق و در کار صف و فرماندهی بسیار خام هستند.

س - وقتی پایگاه ارسال گزارش در باره فرماندهان تپها و جانشینان آنها و فرماندهان هنگها و گردانها مستقر در تهران و دیگر نقاط ایران را آغاز کرد، مادر روشنائی بیشتری وضعیت را ارزیابی کنیم. بر ما مسلم شد که لازم است بسیاری از فرماندهان تپها را با توقیف و یا برکنار کنیم. و این از رده‌های پایین تر فرماندهی بود که می‌باید نیرو برای عملیات تدارک می‌کردیم. این ارزیابی بعداً صحیح از آب درآمد و موجب شد که در زمان صرفه جویی کنیم و از امنیت بیشتری برخوردار شویم. داشتن حصار امنیتی مستحکم ایجاب می‌کرد که از آغاز، تنها با کسانی ارتباط برقرار کنیم و آماده‌شان کنیم که اقبال پیروزی ما را قوی می‌گردانند.

ع - نکات بالا ما را به این نتیجه می‌رساند که داشتن زندگی نامه حاوی بیشترین اطلاعات، در موفقیت هرگونه عملیات که بکار بردن افراد نظامی را ایجاب کنند، حیاتی است. بسا می‌شود که شکست یا پیروزی بستگی پیدا می‌کند به نادرستی یا درستی ارزیابی یک افسر.

## II الف - اطلاعات نظامی بمثابة پایه عملیات براندازی حکومت‌های دشمن:

۱ - هر جا پایگاه سیا وجود دارد و ممکن است نیاز به عمل انقلابی شود، افسران شبه نظامی می‌باید مجهز به یک نقشه باشند. نقشه‌ها می‌باید به اندازه‌های مختلف تهیه شوند و در آنها، ترتیب کامل نبرد، بر اساس وضعیت جاری، قید شود. موجودی زاغه‌های مهمات و گاز و تیل و بنزین و پوشاک و تجهیزات و... می‌باید با دقت مشخص شوند. بدیهی است که مأمور کردن یک تیپ برای اقدام بر ضد یک حکومت دشمن وقتی هر یک از افراد آن تنها ۶ فشنگ دارند، کاری فایده‌ای است. ۲ - تدابیر دفاعی که حکومت خصم می‌سازد، می‌باید با دقت، بررسی شود. در ایران، حکومت مصدق بیشترین وسائط نقلیه موتور را در یک موتورخانه جمع آورده است. حکومت او به هر تانک، تنها برای یک ساعت کار، بنزین می‌دهد. توزیع مهمات به حداقل ممکن کاهش داده شده است. حفاظت از زاغه‌های مهمات سخت تقویت شده است. تنها سه هفته پیش از سرنگونی حکومت مصدق، علامتهای رمز ارتش تغییر یافتند.

فضای خالی (۹)

در دو لحظه بحرانی، سر تیپ ریاحی، رئیس ستاد، تمامی افسران را در بادگان تهران گرد آورد و با لحنی پر هیجان، حس وطن دوستی آنها را فراخواند. از دید او، وطن دوستی در حمایت از مصدق بروز می‌کرد. سر تیپ ریاحی دستور داد فهرست پلاکهای خود روهای افسرانی تهیه شود و در مواردی، افسران تحت تعقیب و مراقبت قرار می‌گرفتند. و نیز، خانه‌های افسران، بشکل تصادفی، مورد کنترل تلفنی قرار می‌گرفتند تا بدانند کدامیک از افسران شبهای خود را بیرون از خانه هاشان می‌گذرانند.

ب - همچنین لازم است تمامی تأسیسات نظامی که باید تصرف و یا حمایت شوند، مطالعه شوند. برای انجام این کار، لازم است نقشه تفصیلی مراکز نظامی، مراکز مهم ارتباطات، و غیره، تهیه شود. در آغاز تهیه نقشه تی پی آژاکس، ما هیچیک از این اطلاعات را نداشتیم. تنها چند مطالعه عالی برای خرابکاری در تأسیسات غیر نظامی، در اختیار بودند.

ج - در عملیاتی از این نوع، پیشاپیش، می‌باید مقامات کلیدی کشوری که باید توقیف شوند و تأسیسات غیر نظامی که باید اشغال شوند، مشخص گردند. برای ارزیابی شخصیت‌های سیاسی، امکان مراجعه به چندین منبع اطلاعات وجود دارند. اما جمع آوری اطلاعات در باره مشخصات تلفن خانه‌ها و ایستگاه‌های رادیو و فرودگاهها و غیره را می‌باید یک افسر شبه نظامی سرپرستی کند که می‌داند در پی چیست. این بدان معنی نیست که یک افسر اطلاعاتی نمی‌تواند اینگونه اطلاعات را گرد آورد. در صورتی چنین افسری مأمور این کار شود، دستور کار او باید با دقت تهیه شود.

د - وضعیت جوی ممکن است در موفقیت عملیات، نقشی سخت حیاتی پیدا کند. از این رو، از پیش، می‌باید سنجیده شود. برای مثال، ممکن است هوا مه آلود بشود و عاملهای زمان و فاصله جز آن شوند که پیش بینی شده‌اند و اجرای نقشه را غیر ممکن بگردانند. باران و توفان نیز می‌توانند چنین کنند. تصمیم در این باره که آیا نقشه در روز باید اجرا شود و یا در شب، یک تصمیم حیاتی است و در محل باید اتخاذ شود. در جاهایی که مقررات حکومت نظامی بر قرار است، وجود حکومت نظامی ممکن است شرایط را از اساس تغییر دهد. در نقاط دیگر، عادات مردم می‌توانند از نظر نظامی سخت پر اهمیت باشند. برای مثال، عادات به خواب قیلوله و بستن بیشتر دکانها در مناطق کسب، می‌توانند مهم باشند. همچنین، روزی در هفته که جنبه مذهبی دارد و نیز ایام تعطیلهای مهم باید از لحاظ استفاده‌ای که از آن می‌توان کرد، مطالعه شود. روزهایی که در آنها، گروههای مخالف خنثی می‌شوند و یا خنثی کردن می‌شوند، می‌باید بدقت مطالعه شوند. برای مثال، تعلیم نظامی واحدها در برخی محلها ادواری است و ممکن است گسیل یک واحد خصم به بیرون از قلمرو عمل، اقدامی بجای روزی باشد که در آن، نقشه باید اجرا شود.

ه - کسب اطلاعات پیرامون رکن یکم (امور پرسنلی) ستاد ارتش می‌تواند بسیار سودمند افتد. در مواردی می‌توان افسران دلخواه را جانشین افسرانی کرد که وجودشان مخل اجرای نقشه است و یا موجبات نصب مجدد افسران را به مقامهای مورد نظر فراهم کرد. نشان دادن افراد مناسب در مقامهای مناسب و در موقع مناسب، البته مهمترین عامل هرگونه عملیات نظامی است و در عملیاتی از اینگونه، هیچگاه نباید از آن غفلت شود.

و - عملیاتی که ممکن است بر ضد شما روی دهند، باید با دقت مطالعه شوند و شما باید، از پیش، اطلاعات در این باره را بدست آورید و پیش از آنکه در برابر عملیات انجام شده قرار بگیرید، خویشتن را برای رویارویی با آنها آماده کنید. و نیز باید دانست که از دوا بر رکن دوم (اطلاعات) بشیوه‌های گوناگون می‌توان بهره جست. اگر شما اطلاعات منحرف کننده در باره وجود دسیسه چینی‌ها به دوا بر رکن دوم بدهید، بسا بتوانید از آنها در ایجاد وحشت در صفوف دشمن، سود جوئید. در ایران، از این امر که چند گروه از افسران مظنون به تدارک کودتا بودند، سخت استفاده کردیم. همانسان که تنش شدت می‌یافت، گزارشها از این نوع نیز بیشتر می‌شدند. گرچه این گزارشها حکومت خصم را گوش بزنگ می‌کرد، برای فعالیتهای ما و رفقای ما نیز پرده استار بودند. طبیعی است که تمامی این موضوع، با توجه به شرایط محلی، می‌باید مطالعه شود. با وجود این، در کشورهای دیگری که اوضاع و احوال مشابهی دارند، بسا تجربه ما بکار آید.

ز - و نیز، کاملاً متصور است که گروههای نظامی دیگر برای مبارزه با حکومت دشمن، تشکیل شوند. در این صورت، ما باید هویت این گروهها را بشناسیم و بدانیم قصدشان چیست. بسا لازم می‌شود برخی از این گروهها را از میان برداریم و یا لازم شود آنها را جذب کنیم و در قوای خود ادغام کنیم. در هر دو حال، عمل ما می‌باید ظریف و براساس اطلاعات نیکو، انجام شود. تحریکی که باید بعمل آوریم، بدقت باید سنجیده شود. تدابیر لازم برای جبران مافات در صورت ناکام شدن تحریک و بدام افتادن هر یک از دوستانمان، می‌باید اتخاذ شوند.

ح - جمع آوری اطلاعات در باره دوستانمان، بسا، مهمترین کاری است که بایدمان کرد. بر آورد میزان امنیت خود، بنحو پیگیر، برای کسی که تصمیمهای جاری را می‌گیرد، شایسته توجه است. در این، در عین توجه به خطرهایی که می‌پذیریم، ما سرهنگهای جوان را، در پی ارزیابی سریع، تعلیم دادیم. در همان حال، کوشیدیم تا جایی که ممکن است، در باره افرادی که بخدمت در می‌آوردیم، اطلاعات کسب کنیم.

ط - اگر ممکن باشد نیروئی سری تدارک کرد که اعمال دوستان ما را تحت مراقبت قرار دهند، تشکیل آن سخت سودمند است. چرا که وضعیت نظامی می‌تواند سخت سیال باشد و مطلقاً حیاتی است که بدانیم چه کسی زخمی شد، توقیف شد، یا نقش دوگانه دارد و غیره. باید آن توانائی باشد که بمحض پاره شدن پوشش امنیتی، هشدار اول داده شود. در پی آن، هشدار دوم به دیگر نیروها باید رسانده شود. این امر در مراحل اجرای عملیات، کاملاً مهم و راست است.

ی - کنترل‌های امنیتی ممکن است روز به روز تغییر کنند. ما باید در باب تمامی حوزه امنیتی، اطلاع داشته باشیم. برای مثال، در بحبوحه وضعیت نظامی سخت سیال، لازم می‌شود که یکی از افسران ما و یا یکی از عاملان اصلی ما ناگزیر می‌شوند در ساعاتی که عبور و مرور ممنوع است، سفرهایی عاجلی را به شهرهایی انجام دهند که در فاصله ۸ و ۱۰ ساعتی پایتخت هستند. در تجربه ایران، ثابت شده که توانایی ما در تهیه مدارک جعلی، برای انجام موفقیت آمیز مأموریتها، سخت ضرور است.

ک - اطلاعات در باره شبکه رادیویی و تلگرافی بسیار مهم هستند. در ایران، فرستنده رادیویی نیروی هوایی، فرستنده رادیویی ژاندارمری، فرستنده رادیویی ارتش و شبکه تلگرافی شرکت نفت وجود داشتند. شمار و پهنه شبکه تلگرافی اغلب ما به دلایل مسلم می‌باید بدقت مطالعه شوند. در یک مرحله از عملیات تی پی آژاکس، ما از شبکه تلگرافی دولت استفاده کردیم. از جمله‌های ساده‌ای، برای تفهیم عملیات مورد نظر، استفاده کردیم. برای ارتباط با یکدیگر، تلفن وسیله آسانی هم برای نیروهای خودی و هم برای قوای دشمن است. بنا بر این لازم است پیرامون گستره دستگاههای شنود، اطلاع تحصیل شود و در صورت امکان باید بدانیم کجاها تحت شنود هستند. در ایران، معلوم شد که حزب توده در سیستم ارتباطات دولت نفوذ کرده‌است. با وجود این، ما از این سیستم استفاده کردیم زیرا، در یک مقطع زمانی، تمامی دیگر وسائل ارتباطی از کار افتادند. ناامن بودن عمل، متحقق بود اما در آن اوضاع و احوال، خطر را می‌باید می‌پذیرفتیم.

در مرکز حکومت و یا در مرکز کدی که رئیس ستاد ارتش از آن استفاده می‌کند، کدها مهمترین ارتباطات دشمن بکار می‌روند. در این مرکز نمی‌توان نفوذ کرد باید از کار انداخت و برای نیروهای خودی وسائل ارتباط باید ایجاد کرد.

ل - اطلاعات تدارک شده را، بنا بر اقتضاء، می‌توان در ساختن «بپانه‌ها برای اقدام»، بکار برد. نفوذ وابسته در حکومت دشمن امکان می‌دهد اقداماتی بر ملاء کرد که این حکومت در نظر گرفته‌است اما عموم از آن خبر ندارند. در کوشش برای بخدمت هدف خویش گرفتن افراد، وقتی انگیزه شان برای اینکه آنها را بعمل بر انگیزد، همواره لازم است آنها را، در نظام خاص خودشان، به عمل بر انگیزد.

### III - برنامه‌گذاری نظامی بمثابه شالوده‌گودتا:

الف - دانش برنامه‌گذاری نظامی ژرف‌تر و شناخته‌تر از آنست که در این نوشتار بگنجد. بدیهی است افسرانی که مسئول تهیه برنامه‌گذاری نظامی می‌شوند، باید از میان افسران نیروهای مسلح برگزیده شوند که صاحب تجربه در اینگونه برنامه‌گذارها باشند.

ب - افزون بر سابقه در برنامه‌گذاری نظامی، افسران باید در عملیات مخفی نیز تجربه دار باشند. اساس یک کودتا، امنیتی است که به ما امکان می‌دهند غافلگیرانه عملیات را انجام دهیم. اساس امنیت، آزمودگی است که تنها از راه تجربه بدست می‌آید.

ج - ممکن است یک دفتر نظامی مرکب از افسران بومی برنامه‌گذاری خاص محل را بر عهده گیرد. خواه در خود کشوری که عملیات در آن انجام می‌شود و یا در خارج آن تشکیل شود، این دفتر تنها وقتی می‌تواند عمل کند که تمامی اطلاعات جاری و اطلاعات نظامی در اختیار داشته باشد.

د - اعضای این دفتر نظامی ممکن است توسط رهبر آینده حکومت دوست معین شوند و یا مستقل از او تعیین گردند. در هر یک از دو حالت، سری انجام شدن عملیات ضرورت حیاتی دارد.

ه - این امر که یک افسر سیاه‌دست دفتر نظامی معرفی شود، بستگی به شرایط محلی دارد. در ایران، ما به این نتیجه رسیدیم که کار را باید به یک برنامه‌گذار سیا بسپاریم. او نیز، بنوبه خود، بی‌بروک باید با افسران بومی، در سطحی برابر، همکاری کند. بدیهی است که این ترتیب از امنیت عملیات بازمی‌کاهد و در صورت امکان باید از آن پرهیز کرد.

و - فهرست‌های توقیفیهای نظامی را باید برنامه‌گذار نظامی سیا تهیه کند و تعیین قوایی که می‌باید توقیفها را انجام دهند نیز کار او است. افسر نظامی سیا و دفتر نظامی می‌باید هدفهای نظامی و غیر نظامی را مشخص کنند که می‌باید نیروهای خودی آنها را از کار بیاندازند و یا اشغال کنند.

ز - در صورت امکان، شبکه رادیویی سیا، خاص کودتا می‌باید ایجاد شود. این شبکه میان افسران سیا در محل و دفتر نظامی و میان این دفتر با مرکز سیا و فرماندهی واحدهای نظامی دوست، اتصال برقرار می‌کند. در جایی که این عمل میسر نیست، بر دیگر وسائل ارتباط می‌باید متکی شد. اما در هر وضعیتی یک وسیله ارتباط و یک وسیله بدیل می‌باید ایجاد شوند.

ح - نقشه نظامی می‌باید بر این اصل بنا شود که برخی از عناصر عضو نیروهای دوست ما، لو می‌روند و بدین خاطر نباید عملیات شکست بخورند. از این رو، علامتهای اعلام خطر می‌باید اعلام خطر خود به خودگذار از یک مرحله به مرحله دیگر را در بر بگیرند. اعلام خطر بستگی دارد به اینکه چه کسانی یا چه واحدهایی بر حکومت خصم مکشوف شده‌اند. در ایران، دلیل قوی وجود دارد بر درستی این نظر که علامتهای خطر برای حفظ و ادامه موفق عملیات به قصد تغییر حکومت، نقش اساسی داشته‌اند.

ط - نظامیان ماکه نقشه عملیات را تهیه می‌کنند، امکان وقوع جنگ داخلی را باید بپذیرند و در آن، تدابیر لازم برای مقابله با این احتمال را منظور کنند. در نظر گرفتن این احتمال، می‌تواند شامل ضرورت ایجاد وضعیت امن برای حکومت دوستی بگردد که در پی کودتا بر سر کار می‌آید. امکانها و احتمالات وقوع جنگ داخلی تنها بر اساس تحلیلهای وضعیت محلی می‌باید، ارزیابی و سنجیده شوند. بدیهی است که پیش بینی آن مشکل نیست و قطعاً برای آن باید نقشه تهیه کرد.

ی - تهیه خانه‌های امن بعنوان پایگاه‌های تماسهای عملیاتی می‌باید، بیش از درگیری قوای دوست در عملیات، انجام بگیرد. چندین خانه امن یا پایگاه امن می‌باید در اختیار قرار بگیرند تا اگر یک یا چند خانه امن لورفت یا رفتند، بتوان از تباط با عناصر دوست را حفظ کرد. در مواردی که اعضای سیا همگی در سفارت مستقر هستند، عملیات ایجاب می‌کنند که خانه‌ها و پایگاههای امن تدارک شوند. این خانه‌های امن عالی می‌شوند وقتی به فرستنده و گیرنده رادیویی، تلفن مستقل و یا به تناسب وضعیت محل، به دیگر وسائل ارتباطی مجهز باشند. در وضعیتهایی که لازم است پول نقد، اسلحه و مهمات، لباس، غذا و مدارک مخفی شوند، خانه‌های امن می‌باید محافظانی داشته باشند که توانایی نگهداری از خانه‌ها و آنچه در آنها پنهان می‌شوند را داشته باشند.

ک - خود رو، تاکسی و دیگر خودروهای لازم دیگر را پیش از عملیات می‌باید فراهم و پیشاپیش آماده نگاه داشت.

ل - هر جا ممکن باشد، افراد و واحدهایی که نیروهای دوست را تشکیل می‌دهند، در محلهای جدا می‌باید مستقر شوند. چرا که نباید در صورت لورفتن بخشی از عملیات، افراد در بازجویی نتوانند تمامی نیروها و نقشه ما را لو بدهند.

م - افراد دفتر نظامی، تحت هیچ اوضاع و احوالی، نباید بطور فعال در عملیات شرکت کنند. زیرا تحت بازجویی ممکن است همه چیز را لو بدهند.

ن - شورای نظامی می‌باید شامل افسران دفتری و صف، هر دو صنف، باشد. و از آنجا که شرایط محلی را نیز می‌باید در نظر گرفت، چند تن کارشناس نیز می‌باید در آن عضویت داشته باشند. وجود یک افسر ستاد متخصص در ارتباطات می‌تواند بسیار سودمند باشد.

س - احتمالاتی واکنش بر ضد امریکا، همواره می‌باید مدنظر تمامی افسران سیا که در اینگونه عملیات شرکت می‌کنند، باشد. اگر نگوئیم هیچ عملیاتی تا حد این نوع عملیات انفجارآمیز نمی‌شوند، گوئیم اندک شمارند عملیاتی تا این اندازه پر مخاطره. این امر ایجاب می‌کند که کارآموزده‌ترین افسران که بتوان یافت، به این کار گمارده شوند.

ع - نقشه نظامی می‌باید احتمال شکست کامل و بنا بر این تدابیر لازم برای تخلیه افراد سیا و عوامل بومی که ممکن است لو بروند را در بر گیرد. هواپیمای وابسته‌های نظامی امریکا، شبکه‌های فرار و دیگر تجهیزات خاص عملیات می‌باید بخدمت گرفته شوند. اگر هیچیک از این عوامل و تجهیزات وجود ندارند، پیش از عملیات، می‌باید مخفی گاهها تهیه شوند. از این مخفی گاهها، در جریان عملیات، نمی‌باید استفاده شود.

ف - تعهدی که در قبال دوستان خود بر عهده می‌گیریم، می‌باید تعهدی باشد که بتوانیم خوب از عهده انجامش بر آوریم. در ایران، ما بنا بر رشوه دادن نگذاشتیم. زیرا احساس کردیم افسرانی که رشوه را می‌پذیرند، در صورت قرار گرفتن در مشکل، برای مثال شکنجه، عملیات را بر باد می‌دهند. در ایران، ما یک دینار نیز

برای خریدن افسران خرج نکردیم.

ص - فکر آینده همسران و خانواده‌های افسران دوست خود را نیز می‌باید بکنیم.

ق - هرگاه اسلحه امریکائی معمول ارتش کشوری نبودند که عملیات در آن انجام می‌گیرند، می‌باید احتمال بکار بردن اسلحه ساخت کشورهای دیگر را در نظر گرفت.

ر - مرکز ارتباطات را بعنوان نخستین هدفی که می‌باید اشغال شود، در نظر گرفتیم. زیرا بر این نظر بودیم که جلوگیری از برقرار کردن ارتباط میان حکومت دشمن و نیروهای تحت امر آن، اهمیتی تعیین کننده دارد. از دید ما، مراکز ارتباط، از جمله شرکت تلفن می‌باید پیش از دستگیریها، اشغال شوند. چرا که ما تصور نمی‌کردیم نیروهای دوست بتوانند در زمان معین شده، افرادی را توقیف کنند که اسامیشان در فهرست‌های توقیف شوندگان آمده بودند. البته شرایط محلی می‌تواند در این تدبیر، تغییر ایجاد کند.

ش - احتمال حبس نیروهای دشمن را در سر بازخانه‌ها و پایگاه نباید از نظر دور داشت. در ایران، این مکانها اغلب دارای یک راه ورود و خروج هستند.

ت - احتمال استفاده از شبکه رادیویی فرماندهی ارتش کشور نباید از نظر دور بماند. باوجود این، علامتهای خطر در همه ارتشها معمول هستند. از این رو، می‌باید متصدیان رادیویی ارتش را از کسانی انتخاب کرد که به آنها اعتماد کامل بتوان کرد.

ث - احتمال درگیری با اوباش، شامل نیروهای شبه نظامی کمونیست را نیز باید در نظر گرفت. در هر کشور که این احتمال وجود دارد، آرایش نیروهای دوست باید چنان باشد که با مسدود کردن جاده‌ها و ایجاد مقرهای بازرسی و مهار کردن عبور و مرور و محدود کردن ساعات آن، این نیروها خنثی شوند.

خ - گفتن ندارد که پیشاپیش، می‌باید فهرست کاملی از جا و موقع افسران در ارتش جدید تهیه شود چنانکه محلی برای هیچگونه ابهام نماند.

ذ - تا جایی که ممکن است، ترجیح در اینست که از تدارکات ارتش محلی استفاده کرد و نیازمند به ایجاد تدارکات مخفی نشد. بسیار بهتر است که عملیات را از درون کشور رهبری کرد تا از خارج از آن. و نیز، بسیار آسان تر است که عملیات وقتی انجام بگیرند که افسران سیاه در محل باشند و نه در خارج از آن. افراد شرکت کننده در عملیات می‌باید تحت پوشش کامل باشند تا بتوان دشمن را از توان واکنش، محروم کرد.

## درسهایی که گزارش سیا پیرامون کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌آموزد:

درسهارا دو دسته می‌کنیم: درسهایی که به رهبران یک جنبش می‌آموزد و درسهایی که به مردم یک کشور می‌آموزد:

الف - درسهایی که گزارش به رهبران یک جنبش می‌آموزد:

۱ - درس اول و بزرگ اینست که از رهبران نهضت ملی ایران، کسانی در صف دشمنان حکومت مصدق قرار گرفته‌اند. با شکست کودتا در ۲۵ مرداد، اینها بوده‌اند که ابتکار عمل را بدست گرفته‌اند و در ۲۸ مرداد ۳۲، کودتا را موفق کرده‌اند. اینان، بدون استثناء، مطرود دولت کودتا شده‌اند و سرنوشت غمبار و عبرت آموزی را پیدا کرده‌اند. چرا؟ زیرا قاعده‌ای را رعایت نکرده‌اند که بنا بر آن،

هر مشروعی که از خود بیرون برود و در شمار نامشروع‌ها در آید، آنها را محکوم می‌کند که از او سلب مشروعیت کنند و او را طرد کنند.

توضیح اینکه وقتی یکچند از رهبران نهضت ملی به عمل شاه و زاهدی مشروعیت دادند، آنها نمی‌توانند قدرت خویش را فاقد مشروعیت بدانند و بپذیرند که مشروعیت را از رهبرانی دارند که به آنها جواز کودتا داده‌اند. ناگزیرند بگویند مشروعیت از آن آنها بوده‌است. این رهبران خطاکار بوده‌اند که برای جبران خطای خود به آنها روی آورده‌اند. ناگزیرند زیرا اگر خود را فاقد مشروعیت بشمارند، می‌باید دولت را بکسانی واگذارند که مشروعیت دارند. این همان قاعده است که در رابطه با قدرت، همواره از یاد کسانی می‌رود که مشروعیت دارند و از راه مصلحت، قدرت نامشروع و یا بخشی از آن را مشروعی می‌گردانند و خود قربانیان نخستین آن می‌شوند. بدین قرار، ضرب المثل «بدهکار را که رو بدهی، طلبکار می‌شود»، بیانگر همین قاعده‌است. در حقیقت، بدهکار بمحض خارج شدن از موقعیت بدهکاری، طلب را که نمی‌دهد هیچ، ناگزیر است طلبکار را نیز بدهکار کند! چرا که اگر چنین نکنند، می‌باید طلب او را بپردازد. من باب نمونه، اگر شخصی مثل حجاریان، کسانی را بی وطن می‌خواند که بخاطر وطن، سختی مهاجرت را پذیرفته‌اند و برای استقلال وطن و آزادی مردم خویش مبارزه می‌کنند، از آن رو است که بخشی از این وطن دوستان به کسانی مشروعیت بخشیده‌اند که در کودتای خرداد ۶۰ شرکت داشته‌اند و امروز به کسوت «اصلاح طلب» درآمده‌اند. حجاریان نمی‌توانند وطن دوستان را نفی نکنند. زیرا اگر بگویند موقعیت و مشروعیت خویش را از کسانی یافته‌اند که از راه مصلحت، حکومت «اصلاح طلبان» را تصدیق و مردم را به شرکت در دادن رأی تشویق کرده‌اند، از آنها خواهند پرسید: چرا بخدمت کسانی در نمی‌آید که مشروعیت دارند، تجربه انقلاب را رها کرده‌اند، به مردم سالاری باور دارند و عاملند؟ ناگزیرند بگویند مشروعیت از آن خودشان است. آنها که امروز، از راه مصلحت، مردم را دعوت به دادن رأی می‌کنند، خطاکاران مطرود هستند. همین موقعیت را پهلوی طلبها پیدا می‌کنند در قبال کسانی که، از راه مصلحت، به آنها مشروعیت می‌دهند. اینان تجربه شده را تجربه می‌کنند و جز پشیمانی بچسب نمی‌آورند. زیرا پهلویها و پهلوی طلبها را ناگزیر می‌کنند بگویند مشروعیت در اصل از آن آنهاست. آنها بوده‌اند که ایران را بسوی تمدن بزرگ می‌بردند و این بقیه بودند که انقلاب براه انداختند و روزگار ایران را سیاه کردند! همانطور که می‌گویند.

۲ - و چنین است وقتی مشروعی بر مشروعیت خویش می‌ماند اما برای از میان برداشتن اختلاف، گمان می‌برد، می‌تواند نامشروعی را مشروع کند. به قول روحانیان «آب کر» هستند و هر نجسی را پاک می‌کنند. وقتی به کاشانی ایراد می‌گرفتند چرا دشمنان نهضت ملی را بخود راه می‌دهد، می‌گفت: آنها مرا هدایت نمی‌کنند من آنها را هدایت می‌کنم! اگر او قرآن را روش می‌گرداند و می‌داند که او نمی‌تواند کسی را هدایت کند و هر کس خود خویش را هدایت می‌کند، شاید سرنوشت او و نهضت ملی ایران جز آن می‌شد که شد.

وقتی برخلاف قاعده، جانبدار مردم سالاری با مخالف آن اتحاد کرد (ترکیب نخستین جبهه ملی)، از پیش، شکست را پذیرفته است زیرا در درون خود، قدرت را مدار و هدف کرده و بنا بر این، پذیرفته است که سرانجام رهبری از آن قدرتمدارها می‌شود. گفتگوی دکتر آذر با منصور فرهنگ در امریکا، بسی گویا است: دکتر آذر در توجیه بی عملی در روزهای کودتا، گفته است در ارزیابی به این نتیجه رسیدیم که قدرت یا از آن طرفداران امریکا می‌شود و یا به طرفداران شوروی تعلق می‌گیرد. مصلحت کشور را در آن دیدیم که به طرفداران امریکا باز گذاریم! هرچند این بیان مطلقاً ضد رفتار مصدق است، اما بیانگر قاعده است.

باوجود این واقعیت که تجربه نهضت ملی ایران، این تجربه بود، پس از کودتا و در جریان انقلاب ایران و پس از آن، تکرار شد و چه تلخ: باوجود تجربه، کسانی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد کوشیدند رژیم شاه را به راه صواب آورند، بهای بسیار سنگین پرداختند. و بهای بسیار سنگین می‌پردازند و نیز آنها که، همچنان بر غم تجربه، می‌کوشند رژیم ملاتار یا را به راه صواب آورند و آنها که گمان می‌برند «پوزبسیون» ترکیبی است نا متجانس از جانبدار آزادی و استقلال و زور پرست وابسته.

۳ - بنا بر گزارش، آنچه موجب حضور قدرت مسلط در درون رهبری نهضت ملی شده‌است، اختلاف است. امروز که بعد از تجربه هستیم، می‌دانیم که اختلاف بر سر نظر نبوده و بر سر قدرت بوده‌است. اما آن روز نیز می‌شد اختلاف بر سر نظر را از اختلاف بر سر قدرت تشخیص داد. از ابهامها، یکی ابهامی است که پوشش اختلاف بر سر قدرت در اختلاف بر نظر می‌شود. رهبران نهضت ملی می‌باید به زدودن این ابهام تقدم می‌دادند. چرا که اگر روشن می‌گشت که اختلاف نه بر سر نظر که بر سر قدرت است، اختلاف کننده بی اثر می‌شد. برای آنکه اختلاف نظر پوشش اختلاف بر سر قدرت نشود، جریان آزاد و شفاف اندیشه و اطلاعات بایسته بود. رهبران نهضت ملی می‌باید نظرهای خویش را شفاف ابراز می‌کردند و از راه مبارزه با سانسورها، مثلث زور پرست را به انزوای می‌آوردند. درون رهبری از جامعه پوشیده ماند تا روزی که در یک رشته انفجارها، نمایان شد و رهبری را متلاشی کرد. در جریان انقلاب ایران، درس این تجربه بکار آمد. مثلث زور پرست روز به روز ناتوان تر شد و می‌شود. این تجربه را ادامه باید داد تا ایران از این مثلث بیاساید و کشور رهبری مردم سالار بجوید.

۴ - درس اول که یک قاعده‌ای از قواعد حاکم بر روابط سلطه گر - زیر سلطه‌است، مراجعه قدرتمداران زیر سلطه به سلطه گر و خود را در اختیار سلطه گر



گذاشتن است. علت آنست که قدرتمدارها حفظ قدرت خویش را در گرو حذف نیروهای محرکه ای می دانند که فعال شدنشان در جامعه، ساخت جامعه و بنا بر این ساخت قدرت را دگرگون می کند و در نتیجه، قدرت مدارها موقعیت خود را از دست می دهند. در ایران دوران نهضت ملی کردن صنعت نفت، نیروهای محرکه یکی جامعه جوان و دیگری نظریه استقلال و آزادی بر اصل موازنه منفی بود. این دو نیرو، از دو سو، وابسته به دو قطب سلطه در جهان، تهدید می شدند: از سوی وابسته های به غرب که در سازمانهای فراماسونری و غیر آن، سازمان می یافتند و جانبدار تجدیدی بودند که وابستگی به غرب را توجیه می کرد و بدان عنوان «ناسیونالیسم مثبت» می دادند. و دیگری، حزب توده وابسته به سلطه گری که روسیه بود و ایدئولوژی مارکسیسم سازگار با وابستگی به این سلطه گر. این دو رأس مثلث زور پرست، با رأس سومی که «روحانیت» قدرتمدار بود، کودتای ۲۸ مرداد را میسر کردند. گزارش جای تردید نمی گذارد که در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، از حزب توده، دو نوع استفاده شده است: حزب توده بعنوان خطری که رفع آن جز به کودتا بر ضد حکومت ملی مصدق میسر نیست. و استفاده از حزب توده برای نوشته نامه های تهدید آمیز به روحانیان سراسر کشور و براه انداختن دسته ها بقصد ایجاد وحشت.

نفت نیروی محرکه سومی بود که با ملی شدن آن و نقش پیدا کردنش در اقتصاد ملی، سایر نیروهای محرکه را فعال می کرد و در مسیر رشد می انداخت که جامعه آن روز ایران بود. فعال شدن نیروهای محرکه نیاز به تغییر ساخت جامعه، بر وفق اندیشه راهنمای مردم سالاری داشت. بنا بر این همه آنها که در این تغییر بنیادی، موقعیت خویش را از دست می دادند، جانب سلطه گران خارجی را می گرفتند و گرفتند. این شده که دست نشاندهی سلطه گران را بر زندگی در وطن آزاد ترجیح دادند. یادآور می شود که بنا بر خاطرات ایدن، نخست این شاه بود که توسط سهیلی پیغام داد با مصدق توافقی را امضاء نکنید. ما بزودی او را سرنگون می کنیم و مشکل نفت را بسود شما حل می کنیم. جهتی که تحول جامعه ایرانی پیدا کرد و به حذف رژیم سلطنتی وابسته انجامید، جای تردید باقی نگذاشت که نهضت ملی ایران می باید تغییر ساخت دولت و جامعه را به ترتیبی می داد که نیروهای محرکه آزاد و فعال شوند.

بدین قرار، درسی که بخدمت قدرت خارجی در آمدن قدرتمدارها می آموزد اینست:

رهبران یک جنبش از ضابطه استقلال هیچگاه نمی باید غفلت کنند. بخصوص وقتی اداره دولت را بدست می گیرند. تمامی مقامها می باید بکسانی سپرده شوند که استقلال را ارزشی خدشه ناپذیر می دانند و آن را ضابطه سنجش عمل خویش و دیگران می کنند. و نیز، تغییر ساخت دولت را از ساخت استبدادی به ساخت مردم سالار مقدم می دارند.

۵- درس دومی که گزارش کودتا می آموزد، اینست که قدرتهای سلطه گر بر سر سهم خویش از چپاول زیر سلطه ها نزاع می کنند. و گرنه، در سلطه گری با یکدیگر نزاع نمی کنند. توافق امریکا و انگلستان و رضایت ضمنی روسیه با کودتا، از عوامل موفقیت کودتائی با نیروی اندک شد. دکتر سنجایی، در «امیدها و ناامیدها» در پاسخ این پرسش که «آیا فکر نمی کنید دکتر مصدق یک کمی زیاده روی کرده باشد در بازگذاشتن دست حزب توده در آن زمان؟» گفته است: «مصدق توده ایها را خوب می شناخت. یک وقتی خود او به من گفت: من سه بار سوار توده ایها شده ام». آشکار است که در روزهای کودتا، حزب توده دیگر سواری نداد، چرا که اختیارش در دست شوروی سابق بود.

بدینقرار، درسی که گزارش کودتا می آموزد اینست:

قدرتهای خارجی را بدرون کشور نمی باید راه داد. و در داخل، نمی باید تضاد میان آنها را دستمایه سیاسی کرد. برخ امریکا کشاندن خطر کمونیسم و برخ روسیه کشیدن خطر سلطه مجدد غرب بر ایران، در دوران نهضت ملی کردن نفت، و گروگانگیری در دوران انقلاب اسلامی ایران، دو خطای بزرگ بودند که مردم ایران بابت آنها بهای بس سنگینی را پرداختند.

۶- ایهامها سلاح اصلی بودند که در کودتا بکار رفتند. بنا بر این گزارش، از ایهامها، یکی ایهام در سیاست خارجی، بخصوص در رابطه با قدرت امریکا بود. این ایهام، در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نیز برخطر شد. رابطه با امریکا و روسیه از شفافیت کامل می باید برخوردار می شد. به ترتیبی که این دو قدرت امکان هیچگونه فعالیت آشکار و پنهان مغایر با استقلال ایران نمی یافتند. تبعیض بسود امریکا، بدان امید که به انگلستان فشار آورد بر سر نفت با ایران موافقت کند، خطا بود. اگر حکومت مانع فعالیتهای علنی و غیر علنی سفارت می شد و فعالیتهای اعضای آن را تحت مراقبت می آورد، کجا پایگاه سیار تهران امکان می یافت خانه های امن تدارک کند و سرلشکر زاهدی و همدستان او را در خانه های اعضای سیا، پنهان کند؟ چنانکه اگر رابطه با امریکا، در جریان انقلاب اسلامی، شفاف می بود، محلی برای گروگانگیری و پی آمدهای آن، از جمله محور سیاست داخلی ملاتاریا شدن، پیدا نمی شد.

بدینسان، درسی بزرگ از درسهایی که گزارش می آموزد، اینست که شفاف کردن رابطه با قدرتهای خارجی، از واجب ترین کارهاست.

۷- وقتی جنبش در کشوری روی میدهد که میان دو قدرت خارجی است. به ترتیبی که آمد، رهبران یک جنبش می باید الف - موازنه عدمی و منفی را اصل راهنما کنند یعنی به هیچیک از دو قدرت، مجال عمل در داخل کشور ندهند. ب- بر اصل موازنه عدمی، نفس خویش را مکلف بدانند. تکیه بر نیروهای بیرون از جنبش، از عوامل شکست می شود. گزارش می گوید اگر ۱- کسانی که نباید در مقامهای کلیدی باشند، جای خود را بکسانی می سپردند که به نهضت ملی ایران معتقد و متعلق بودند، به سخن دیگر، اگر مقامهای لشگری و کشوری به کسانی سپرده می شدند که به نهضت ملی ایران تعلق داشتند و ب- رهبران جز به نیروی وفادار به نهضت ملی تکیه نمی کردند، کودتا ممکن نمی شد. همین درس را کودتای خرداد ۶۰ نیز می آموزد. در هر دو کودتا، ملاحظه مقام اول (شاه در دوران نهضت ملی و خمینی در دوران مرجع انقلاب ایران) و سپردن مقامها به کسانی که مطلوب این مقام بودند، از عوامل کودتا شدند.

درس بزرگ گزارش اینست که ۱- بهائی که بابت ضابطه کردن حق و نه شخص و مقام، هرچه باشد، باید پرداخت، از بهائی که بابت ضابطه کردن شخص و مقام باید پرداخت، بمراتب کمتر است. و ۲- نفس خویش را باید مکلف شمرد. بنا بر این، نیروی اصلی جنبش است که می باید دائم، بحال آماده باش، در صحنه نگاه داشت.

۸- شکست کودتا در ۲۵ خرداد و پیروزی آن در ۲۸ مرداد، بیانگر این واقعیت است که هرچا جنبش حاصل شرکت همگانی مردم است، حضور فعال مردم در صحنه، از مهمترین عوامل پیروزی جنبش و پیشگیری از کودتا است. کوجه و خیابانها همواره می باید در تصرف مردم باشد. خالی شدن کوجه و خیابانها در روزهای ۲۷ و ۲۸ مرداد، به کودتاچیان امکان داد آنها را با چماقداران پر کنند و کودتا را ممکن بگردانند. در دوران مرجع انقلاب ایران، توجه به این درس تجربه بود اما نه انسان که باید. دفا تر همآهنگی می باید حضور مردم در صحنه و صاحب اختیار کوجه و خیابان شدن مردم را سازمان می دادند. اما به این امر بطور جدی پرداخته نشد. این شد که چماقداران تحت حمایت افراد مسلح ملاتاریا، کوجه و خیابانها را تصرف کردند.

از اتفاق، مصدق بر این نظر بوده است که مردم همواره می باید در صحنه حاضر باشند. دکتر سنجایی در «امیدها و ناامیدها» می گوید: «او عقیده داشت که باید افکار عمومی بطور کلی و تقریباً می شود گفت غیر متشکل و همیشه آماده و حاضر در صحنه از او پشتیبانی کنند». بنی صدر نیز بر این نظر بود که مردم می باید در صحنه حضور فعال داشته باشند. جز اینکه با توجه به درس تجربه، می افزود: دفا تر همآهنگی می باید این حضور را سازمان دهند. با وجود، نه جبهه ملی در دوران نهضت ملی کردن نفت و نه دفا تر همآهنگی مردم با رئیس جمهوری، در دوران مرجع انقلاب ایران، بدین کار توانا نشدند.

۹- گزارش سیا می گوید و گزارشهایی که رهبران نهضت ملی انتشار داده اند، تصدیق می کنند که در روزهای سرنوشت، از رهبران نهضت ملی کسی به مردمی که می باید نقش اول را ایفا می کردند، مراجعه نکرده است. دکتر صدیقی می نویسد:

«من بعد از ظهر روز ۲۵ مرداد، در خانه نخست وزیر بودم و با رئیس شهربانی ارتباط داشتم. او بطور منظم، اخبار را به من اطلاع می داد و من با نخست وزیر مشورت می کردم. سخنان ناطقین میدان بهارستان را هم اجمالاً شنیدم. حدود ساعت ۷ بعد از ظهر، آقایان دکتر شایگان و مهندس رضوی به خانه دکتر مصدق آمدند. در همین موقع، رئیس شهربانی تلفن کرد و گفت: توده ایها از میدان بهارستان در حال شعار دادن به حرکت در آمده اند و معلوم نیست برنامه آنها چیست... من به اطاق دکتر مصدق رفتم و با تندی به دکتر شایگان و مهندس رضوی گفتم: «مردم را رها کرده اید و آمده اید اینجا بعد از آن سخنانی های تند... باید مردم را هدایت می کردید. حساسیت موقع را باید برای دهها هزار تن مردمی که در آنجا جمع شده بودند، تشریح می کردید.»

بدین قرار، رهبران نهضت ملی ایران، تنها اجتماع بزرگی را که تشکیل دادند، به حال خود رها کردند. در نتیجه، ابتکار عمل از آن حزب توده و روحانیان و نظامیان شد که کودتای ۲۸ مرداد را تدارک می دیدند. چرا چنین کردند؟ زیرا رهبری نهضت ملی تصویری از رژیم بدون شاه خود نداشت و به جامعه نیز

نمی‌داد. بدین قرار، خود عامل تشدید ابهام ذهنی مردم از سوئی و ایجاد این تصور که خطر آن وجود دارد که حزب توده رژیم جانشین را بوجود آورد، از سوی دیگر، تعادل روانی جامعه را بزبان نهضت ملی برهم زد. آن عاملی که در نقشه کودتا پیش بینی نشده بود و اینسان بوجود آمد، این عامل بود.

با آنکه اجتماع بزرگ مردم تهران در میدان بهارستان، در ۲۵ مرداد ۳۲، معلوم می‌کند که راه بی اثر کردن عامل حزب توده نیز حضور مردم در صحنه بوده‌است، رهبری عامل بر سر کار آوردنش، یعنی مردم را، بی نقش گذاشت.

مراجعه نکردن به مردم، غیر از نبود تصور روشن از رژیم جانشین، به تریبی که گزارش معلوم می‌کند، عامل دیگری که فقدان یک هسته منسجم باشد نیز مؤثر بوده‌است. راه حل مشکل را در محدوده دولت جستن نیز مزید بر علت شده‌است. توضیح اینکه الف - بنا بر روایت دکتر صدیقی، صبح ۲۸ مرداد، نخست سر تیب شاهنده بجای سر تیب مدبر، به ریاست شهربانی منصوب می‌شود. اما هنوز حکم ابلاغ نشده، نخست وزیر از او می‌خواهد حکم دیگری بنام سر تیب دفتری صادر کند. فرماندار نظامی توقیف و فرمانداری نظامی بی فرماندار مانده‌است، رئیس ستاد از اداره پادگانهای نظامی در مانده‌است، حتی قوای کمکی به یاری سرهنگ ممتاز مدافع خانه مصدق نرسیده‌است و... ب - پیش از آن، در جمع رهبران وفادار به نهضت ملی، تنش شدید حاکم بوده‌است. در زندگی نامه دکتر فاطمی می‌خوانیم وقتی او از جلسه رهبران نهضت ملی به نزد مصدق می‌رود و جریان جلسه را به او گزارش می‌کند، مصدق می‌گریه و می‌گوید: مرا ببین با چه کسانی به جنگ امپراطوری انگلستان رفته‌ام!

بهنگام تجاوز عراق به ایران و در مبارزه با ملاتاریا، درس این تجربه بکار آمد: بدون هسته منسجمی از رهبران مصمم و استوار، نیرو عمل نمی‌کند و مردم کمتر از نیروی سازمان یافته عمل می‌کنند.

۱۰ - گزارش می‌گوید و گزارشهای مقامات حکومت نهضت ملی تصدیق می‌کنند که در لحظه تصمیم، تصمیم می‌گیرند که تصمیم نگیرند! رئیس ستاد تصمیم نمی‌گیرد، راد یو تا وقتی بدست کودتاچیان افتاد، وضعیت را از مردم پنهان داشت، در لحظه حضور در میان مردم، از هیچ کس خبری نیست. احزاب جانبدار نهضت ملی پنداری از تهران غایبند. و...

اما چرا در لحظه تصمیم تصمیم نکرده‌اند؟ آیا آنسان که دکتر آذر گفته‌است، مأیوس بوده‌اند و چاره را جز تحویل دادن دولت به کودتاچیان نمی‌دیده‌اند؟ یا آنکه رفتار مصدق در آن روزها و مدافعات مصدق مسلم می‌کند که او بر آن نبوده‌است دولت را تحویل بدهد و اگر بر این نظر می‌شد، این «فرمان» شاه بود که می‌باید می‌پذیرفت، اما بر اداره کنندگان نهضت ملی، نه امید که باس غالب بوده‌است. رها کردن تجربه وقتی کودتای ۲۸ مرداد روی داد، نیز گویای این واقعیت است که در نهضت ملی بمتابئه تجربه‌ای که می‌باید تا رساندن به نتیجه پی گرفت، نمی‌نگریستند. اظهار نظرهای دارندگان مقامهای کلیدی بسیار گویا هستند:

\* قول دکتر آذر را پیش از این آوردیم.

\* سر تیب ریاحی، در گفتگو با سرهنگ نجاتی، از یادداشتهای خود سخن می‌گوید که زمان انتشارشان نرسیده‌است. علت را انتقادهایی می‌داند که بر نظرها و تصمیمهای مصدق روا می‌دیده‌است: «ثانیاً شخصیت دکتر مصدق هنوز برای ملت ما ارزش دارد و بازم سالهای دراز باید میلیون ارزش او را هر روز بالا ببرند. شاید ذکر بعضی اتفاقات صحیح نباشد... وقتی در ستاد بودم، خیلی از اعمال هیأت دولت و نظریات خود دکتر مصدق را منطبق با وضع سیاسی دنیا نمی‌دیدم. ولی همواره فکر می‌کردم ناخداای کشتی دکتر مصدق است و باید چشم بسته به او اعتماد کرد. اما بارها به سر لشکر مهنا که معاون وزارت جنگ بود و زنده‌است، می‌گفتم که از پشت میز ستاد به زندان خواهیم رفت. معذک معتقد بودم که باید ماند و دستورات مصدق را اجرا کرد.»

با این اظهارات، او می‌گوید چرا از گرفتن تصمیم در لحظه سر نوشت ناتوان بوده‌است.

\* یکی از پایه‌ها که بر نامه‌گذاری کودتا بر آن قرار گرفته بود، باس و تردید مصدقها بود.

\* پیشنهاد خود کشی که نریمان به مصدق و دیگر حاضران در اطاق او می‌کند،

\* گفتگوی فاطمی با مصدق و گریه مصدق. تنشهای درونی بدانند از شدت بود که بعد از کودتا، دکتر فاطمی کسی شمرده می‌شد که اسباب چین کودتا بوده‌است!

\* دکتر صدیقی در گفتگو با سرهنگ نجاتی: «کیفیت تشکیل و خصوصیات شخصی و مرامی اعضای جبهه ملی» و «ترکیب سیاسی نمایندگان مجلس هفدهم و تأثیر پذیری برخی از آنها از جریانات نامطلوب» را از عوامل پراکندگی نیروهای ملی می‌شمارد.

\* موازنه منفی و نظرها مصدق در باره سلطه بر همکاران او نا آشنا بود و ماند. همین آشنا نشدن و بیشتر از آن، بطور شفاف در نیافت نظام سلطه گر - زیر سلطه و اصل راهنمای پندار و گفتار و کردار نگاشتن موازنه منفی، رهبری نهضت ملی را از بسیاری نا توانانها، از جمله توانائی سود جستن از اختلاف نظر و مصون ماندن از اختلاف بر سر قدرت و توانائی به انزوا در آوردن مثلث زور پرست، محروم کردند.

ب - درسهایی که گزارش سیا به مردم ایران و هر کشور دیگر می‌آموزد:

۱ - در روز ۲۸ مرداد ۳۲، حضور همگانی مردم در صحنه، می‌توانست سر نوشت ایران را دگرگون کند. در ۶ و ۲۵ خرداد ۶۰ نیز، پس از آنکه خمینی گفت: «اگر همه مردم موافقت کنند من مخالفت می‌کنم» و اگر «۳۵ میلیون نفر بگویند بله من می‌گویم نه»، حضور مردم در صحنه می‌توانست کودتا را غیر ممکن کند. این امر که رهبری آنها را به صحنه نخواند، عذر بکلی غیر موجهی نیست. اما انقلاب ایران را مردم بدون فراخوان رهبری پدید آوردند و این مردم بودند که رهبری انقلاب را خلق کردند. خمینی تا مدت‌ها بعد از جنبش همگانی، هنوز یارای صادر کردن اعلامیه‌ای را نیز در خود نمی‌دید. بنا بر این، موافقی هست که جامعه می‌باید بطور خودجوش عمل کند. در دور روز سخت تعیین کننده، مردم از صحنه غایب شدند. گزارش می‌گوید بخش بزرگی از نقشه کودتا به کار پذیر کردن مردم اختصاص داشته و به تریبی که دیدیم، ناتوانی رهبری کاری را که کودتاچیان فکرش را هم نکرده بودند، انجام داد. با وجود این، کارپذیر شدن مردم علتهای دیگر نیز دارد. از جمله آن علتها، یکی اعتبار به قدرت است. در مقام توضیح، یاد آور شویم که محمود غزنوی به مردم نیشابور عتاب کرد که چه حق داشته‌اید از شهر خود در برابر لشکر مهاجم دفاع کنید. این کار بر عهده من و قشون من است. وظیفه شما اطاعت است از هر کس غالب شد! طی قرون، دولت استبدادی بیگانه با ملت، برای مردم حق قائل نبود و وظیفه قائل بود: اطاعت.

بیان دینی که در بیان قدرت از خود بیگانه شده بود، ایرادی به اصل اطاعت نداشت. اطاعت از قدرت صالح را تجویز می‌کرد. ولایت فقیه بر روانشناسی کارپذیری و بر اعتبار به قدرت بنا شده‌است.

گزارش می‌آموزد که تا وقتی ملتی اعتبار به قدرت را با باور به آزادی جانشین نکند، فرهنگ آزادی و استقلال را پیدا نمی‌کند. با توجه به تجربه کودتای ۲۸ مرداد بود که در دوران مرجع انقلاب، کار اصلی آن بخش از رهبری انقلاب که به اصول راهنمای انقلاب وفادار ماند، مبارزه با قدرت باوری و کوشش برای جانشین آن کردن آزادی باوری شد.

آن زمان، جز این بخش از رهبری، بقیه آزادی ستیز بودند. موفق شدن کودتا در خرداد ۶۰، بیانگر این واقعیت شد که این کوشش همچنان باید ادامه یابد و ادامه یافت و می‌یابد.

۲ - گزارش سیا می‌گوید تهیه کنندگان آن را بر ثنویت خیر و شر تهیه کرده‌اند. غرب و اندیشه راهنمایش، لیبرالسم، خیر و دنیای کمونیست و اندیشه راهنمایش، کمونیسم، شر بوده‌اند. اما در سطح مردم ایران، باور دینی بیان قدرتی بود که در خود یارای رویارویی نه با تجدد غرب داشت و نه «اندیشه علمی مارکسیسم - لنینیسم». روشنفکران جانبدار آزادی و استقلال نیز «عقدۀ ایدئولوژی» داشتند. چنانکه بهنگام انتشار نطقهای مصدق، نیز، «مصدق»های دارای این عقده، با کار بنی صدر مخالفت کردند. او مصدق را صاحب نظریه‌ای در باب سلطه دانسته بود که نظریه بیانگر روابط مسلط - زیر سلطه میان مجموعه‌ها و اثر آن بر ساختهای اجتماعی هر یک از مجموعه‌های در رابطه است. بنا بر این، تغییر هر نظام اجتماعی از رهگذر استقلال از این روابط میسر می‌شود. مخالفان مقدمه‌ها و اثر آن بر نطقهای مصدق، نوعی ستیز با واقعیت تلقی کردند و نوشتند: «امروز امور بر مارکسیسم - لنینیسم است!» امروز هم که تجربه حکم خود را صادر کرده و زمان شهادت داده‌است، هنوز اندیشه استقلال در ایران غریب است. می‌توان تصور کرد که «عقدۀ ایدئولوژی» تا کجا نمایانهای جانبدار آزادی و استقلال را ناتوان ساخته

بود. اگر نهضت ملی ایران از «عقدۀ ایدئولوژی» می‌آسود و اندیشه استقلال را می‌پروراند و در سطح جامعه تبلیغ می‌کرد، جامعه ایرانی بمقدار زیاد، اعتیاد به قدرت را از دست می‌داد. امریکا و انگلیس نیز نمی‌توانستند «ترس از رفتن ایران به پشت پرده آهنی» را دست‌آویز کنند. با استفاده از این درس تجربه بود که در فاصله نهضت ملی ایران و انقلاب ایران، اندیشیدن در اندیشه راهنما، کار اصلی آنها شده که در نهضت ملی ایران شرکت کرده بودند و نمی‌پذیرفتند که تجربه را شکست خورده‌است و باید ره‌ایش کرد.

۳- در گزارش سیا نقشی نیز برای روحانیت قائل شده‌است. در عمل، کاشانی و بهبهانی و آن گروه از روحانیان که با آنها بودند، نقشی ایفا کردند که در مخیله تهیه کنندگان نقشه تی.بی.آر.ا.کس نیز نمی‌گنجید. چرا بدین کار توانا شدند؟ از جمله به این دلیل که باور دینی بیان قدرت بود. دو ایدئولوژی وارداتی نیز بیانهای قدرت بودند. رهبری نهضت ملی در تدارک بیان آزادی نشد. اثر بیان قدرت بر رفتار مردم اینست که قدرت را نه مشکل که راه حل می‌شمارد. گمان می‌برد قدرت وسیله است و می‌باید اختیار آن در دست رهبران باشد. پس اگر مردم حق را به مرد می‌سیند و نه مرد را به حق و در نتیجه، هر آنچه را روحانی مطلوب آنها می‌گوید دین می‌پندارند، بخاطر از خود بیگانه شدن دین بمثابه بیان آزادی در دین بمثابه بیان قدرت است. وگرنه، نه روحانیان می‌توانستند جز آن گویند که دین می‌گوید و نه مردم امر و نهی با هدف قدرت را می‌پذیرفتند.

گزارش سیا که این زمان منتشر شده‌است، درسی را می‌آموزد که در دوران بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از سوی آنها، کسانی که در صدد پرس و جواز علت‌های موفقیت کودتا برآمدند، گرفته شد. تجربه دوران مرجع انقلاب ایران و انزوایی که ملاتاریا پیدا کرد، جا برای تردید نمی‌گذارد که دین ستیزی راه حل نبود و نیست، باز جستن دین بمثابه بیان آزادی، راه حل بود و هست. نتایج تجربه می‌گویند که این راه حل را باید پی گرفت. چرا که هم حال و آینده ایران، هم حال و آینده جامعه‌های مسلمان و هم حال و آینده انسانی که نیازمند بیان آزادی است، بدان نیاز دارد.

۴- انقلاب ایران که به جنبش بطور خودجوش سازمان یافته ایران میسر شد، هنوز روی ندادۀ بود. بنا بر این، تهیه کنندگان نقشه کودتا، بنا بر گزارش سیا، امکان حرکت خودجوش مردم را به ذهن نیز نیاورده بودند. در واقع، «انتظار کارپذیرانه» منش روانی مردم ایران را تشکیل می‌داد و می‌دهد. چنانکه وقتی با شریف امامی گفتگو می‌کنند تا او نزد زاهدی برود و آمدن و بردن مصدق و همراهان او را به زندان، ترتیب بدهد، دکتر صدیقی پیشنهاد می‌کند ۸ شب شریف امامی به زاهدی محل دکتر مصدق و یاران او را گزارش کند. چرا ۸ شب؟ زیرا اگر در این فاصله وضعیت برگشت، مصدق و یاران او در دست دشمن نباشند. بدین قرار، این انتظار کارپذیرانه از عوامل ذهنی بازدارنده یک جامعه و رهبران آن از پیشگیری پیش از وقوع کودتا و عمل در زمان وقوع آن و باز عمل بعد از وقوع آن شد. پس اگر نقشه کودتا بر وجود برنامه ضد کودتا بنا نمی‌شود و اقدامات حکومت مصدق را حداکثر یک رشته تدابیر احتیاطی فرض می‌کند و در آن، به وجود برنامه عملی برای مردم و سازمانهای سیاسی، برای جلوگیری از کودتا و در صورت وقوع برای مقابله با آن، اشاره نیز نمی‌شود، از آن روست که «انتظار کارپذیرانه» عادت به روز به روز زندگی کردن، محلی برای ابتکار را حق و ذاتی حیات موجود زنده دانستن نمی‌گذارد و وجدان جمعی را از برنامه‌گذاری عمل پیگیر جمعی که رشته بهم پیوسته ابتکارها باشد، باز می‌دارد.

با توجه به درس تجربه بود که در دوران مرجع، کوشش تمام بکار رفت تا مردم از غفلت از استعداد ابتکار و خلق رها شوند و فعالیت‌های فردی و جمعی دراز مدت را برنامه‌گذاری کنند. با مردم از یک برنامه‌گذاری ۲۵ ساله سخن گفته شد. دفاتر هماهنگی که بطور خودجوش پدید آمدند، می‌باید بیانگر استعداد ابتکار و عقل و علم برنامه‌گذاری‌گذار از نظام اجتماعی زیر سلطه به نظام اجتماعی آزاد و مستقل می‌شدند. اما در عمل، جز این شد. زیرا نیاز به جهاد اکبر یا مبارزه با اعتیادها بود. نیاز بدان بود که انسان ایرانی خود را بمثابه مجموع استعدادها و حقوقی کشف‌کننده ذاتی او هستند. اندیشه راهنمای آزادی را جاننشین کند. اعتیاد به قدرت را ترک گویند. انتظار را از عمل خویش داشته باشد و از اعتیاد به «انتظار کارپذیرانه»، خویش را رها کند و

۵- در خود، اعتیاد به ایهام‌ها در مان کند. بدیهی است که زندگی در استبداد، اعتیاد به ایهام‌ها را بوجود می‌آورد. با آنکه باور به روشنائی و نابوری به تاریکی، بخش بزرگی از پندارها و گفتارها و کردارها مبهم هستند. پنداری جامعه ایرانی ایهام را دوست می‌دارد و پندار و گفتار و کردار مبهم را بر پندار و گفتار و کردار شفاف رجحان می‌نهد. نقشه کودتا، بخصوص در آن قسمت که به جنگ روانی و القاء باورهای دروغ به مردم مربوط می‌شود، یکسره بر اعتیاد به ایهام بنا شده است. این اعتیاد بدانند شدید است که هرگاه با کسی شفاف‌ترین سخنان را بگوئی، درجا آن را دلیل وجود امری می‌پندارد که گوینده با سخن شفاف خود، می‌خواهد آن امر را از دید شونده بیوشاند! پس اگر سیاگروه‌هایی را به راه می‌اندازد تا بنام حزب توده شرات کنند و اگر در برابر چشمان مردم، گروه‌های چماق‌دار موفق می‌شوند حکومت نهضت ملی ایران را سرنگون کنند، قسمتی در نتیجه اعتیاد به ایهام است. این امر که رهبران نهضت ملی می‌باید بطور شفاف مردم را در جریان امور می‌گذاشتند، یک سخن است و این امر که مردم نباید حاضر بشنیدن سخن غیر شفاف بگردند، یک امر دیگر است. در دوران حکومت مصدق، مالیات دهندگان به این عنوان که حکومت مصدق ملی است، مالیات پرداختند. و چون کودتا شد، از کرده پشیمان شدند چرا که حکومت کودتا بر آن میزان، از آنها مالیات مطالبه می‌کرد. پوشیدن زندگی از قدرت نامحرم رویه همگانی ایرانیان در جریان تاریخ بوده‌است. اما همین رویه از اسباب دوام استبداد نیز شده‌است. اگر مردم بدانند که زندگی مجموعه‌ای از حقوق است و اینسان زندگی کردن، دیگر محلی برای زور باقی نمی‌گذارد، از استبداد آزاد می‌شوند. بهر رو، مبارزه با استبداد حاصل روابط مسلط - زیر سلطه، نیاز به یک رشته شفاف‌کردنها دارد: شفاف‌کردن بیان دینی و هر اندیشه راهنمایی، شفاف‌کردن روابط سلطه گر - زیر سلطه و اثراتش، شفاف‌کردن روابط اجتماعی و نظام جامعه، شفاف‌کردن اصول راهنمای هر جنبش، شفاف‌کردن ضعفها و قوت‌های فردی و جمعی بقصد آسودن از ضعفها، شفاف‌کردن رهبری‌ها،... و بخصوص شفاف‌کردن قدرت به هر شکل که در آید.

اما آنچه انسان ایرانی و جامعه ایرانی را بایسته‌تر از همه است، اینست که از اهل سیاست و دین و دانش و هنر و فن بیان و عمل مبهم را نپذیرد. ای بسا اگر از خمینی می‌خواست بیان خود را شفاف کند و مبانی دینی آن را مشخص بگرداند، بیان انقلاب ایران راهنمای نظام جدید می‌گشت. با وجود آن تجربه، هنوز نیز، مردم ایران از مدعیان بیان و عمل شفاف مطالبه نمی‌کنند.

۶- بدیهی است تهیه کنندگان نقشه در این فکر نبوده‌اند که کودتا دولت پایدار در پی می‌آورد زیرا مردم را به اعتیادها، از آن جمله اعتیاد در نیمه رها کردن تجربه، باز می‌گرداند. اما وقتی به گزارش کودتا در ۲۸ مرداد می‌پردازد، بازگشت به عادت پیشین را گزارش می‌کند. عادت‌هایی که بنا بر آن، مردم نقش تماشاچی را دارند و گروه بندی‌های قدرت مدار، بر ضد یکدیگر قوا بسیج می‌کنند و در پایان ستیزشان، یکی غالب و دیگری مغلوب می‌شود. غالب کار مغلوب را نیمه تمام می‌گذارد و خودکاری را که می‌خواهد شروع می‌کند. مردم نیز کار نیمه را رها می‌کنند. بنا بر این، همانطور که انقلاب مشروطیت را در نیمه رها کردند، نهضت ملی کردن صنعت نفت را نیز در نیمه رها خواهند کرد. برای اینکه این اعتیاد ترک شود، بخصوص بر عهده رهبران است که تجربه را در نیمه رها نکنند. با وجود این، رها کردن انسان ایرانی از ضد فرهنگ تکرار «تجربه» و آموزش فرهنگ تجربه را تا نتیجه پی گرفتن، درسی است که از کودتاها باید گرفت. در حقیقت، اگر ایرانیان مردمی بودند که تجربه را تا نتیجه رها نمی‌کردند، کودتا در ایران محال می‌شد. سلطه بیگانه و استبداد نیز.

۸- تردید و ترس و دورونی و ناتوانی از تهیه نقشه که گزارش سیا اوصاف افسران ایرانی می‌شمارد، در همان حال که بیانگر عادت به در نیمه رها کردن تجربه هستند، بیانگر زندگی در روابط شخصی قدرت نیز هستند. نظام اجتماعی از یک رشته روابط شخصی قدرت بوجود می‌آید. این روابط، تصمیم‌گرفتن و اجرای آن را بسیار مشکل می‌کند. کافست، هر کس روابط شخصی خود را در نظر بیاورد و روابط شخصی خود را در خانواده در نظر مجسم کند و آن وقت از خود بیرسد: چند در صد از تصمیم‌هایی که گرفته‌است رها شده‌اند زیرا روابطی که دارد، امکان عملی کردنشان را نمی‌دهد. این روابط است که در بزنگاههای تاریخی بخش متحرک جامعه را فلج می‌کند. چند در صد از جوانان ایران در ۲۸ مرداد توانستند خود را از روابط شخصی قدرت - که حتی در سازمانهای سیاسی نیز مانع تحرک می‌شوند چنانکه حزب سازمان حزب توده و احزاب ملی مانع تحرک جامعه جوان در ۲۸ مرداد شدند - رها کنند و بر ضد کودتا وارد عمل شوند؟ بدین قرار، کودتاها این درس را می‌آموزند که آزاد کردن زن و نیز مرد و تغییر هدف و چند و چون از دواجها و آزاد کردن انسانها از روابط شخصی قدرت، از کارهایی است که بجد باید بدان پرداخت. رشد جامعه ایرانی در استقلال و آزادی، از جمله در گرو آزاد کردن انسان ایرانی از روابط شخصی قدرت است.

۹- دیوان سالاری و قشون سالاری دو تکیه‌گاه کودتاچیان بوده‌اند. نقشه کودتا نیز چنان طرح شده بود که رأس دیوان و قشون سالاری (مصدق و وزیران او) با رأس دست‌نشانده (زاهدی و وزیران او) جاننشین شود. با وجود این، آن زمان، هنوز، دستگاه دولت در بودجه خود، تاحدود زیاد، متکی به مالیاتها بود. درآمد

نفت رابطه دولت با ملت را تغییر نداده بود. کارکنان کشوری و لشگری هنوز آن کم و کیف را پیدا نکرده بودند که «قشون جامعه جداگانه» و دستگاه اداری خود هدف خویش بگردد. بنا بر این، اصلاح دستگاه اداری و قشون، تنها با تصفیه افراد فاسد، به انجام نمی‌رسید و تغییر ساخت قشون و دستگاه اداری از یک ساخت استبدادی به یک ساخت مردم سالار نیز ضرور بود. با آنکه در دوران مرجع انقلاب، این دوکار در تمامی دستگاه اداری و قشون به انجام نرسید، هرچاکه به انجام رسید، تجربه موفقی شد. بدین انقلاب، دوگروه سازمان یافته، یکی دست نشانده غرب و دیگری دست نشانده شوروی سابق نیز، از تسلط بر دستگاه اداری و ارتش ناتوان می‌شدند.

شکست کودتای ۲۵ مرداد نشان می‌دهد که الف - قشون به تنهایی نمی‌توانسته است کودتا کند و اگر ساخت آن تغییر می‌یافت، قرار گرفتن یک سر تیپ دفتری در رأس شهربانی و فرمانداری نظامی نمی‌توانست قوای تحت فرمان او را بر ضد حکومت ملی به حرکت درآورد. ب - اگر از ۳۰ تیر این درس گرفته شده بود که می‌باید رابطه قشون و جامعه تغییر یابد و این تغییر در جهت تحول طرز فکر و سازمان قشون از «ارتش شاهنشاهی»، به ارتش ملی انجام می‌گرفت و ارتشیان وظیفه جدید، احساس غرور جدید را می‌یافتند، تن به کودتای تحت امر سیا نمی‌دادند. در جریان انقلاب ایران و نیز در جریان تجاوز عراق به ایران، با استفاده از درس کودتای ۲۸ مرداد، این دو تغییر در ارتش به انجام رسید و اثر آن را برگرداندن شکست به پیروزی - هرچند ملاتاریا با طولانی کردن جنگ - آن پیروزی را بر باد داد و از ارتشی که اینک ارتش ملی شده بود، انتقام گرفت - چنان بود که وقتی رؤسای ۸ کشور مسلمان به ایران آمدند، کار ارتش را بیشتر از یک حماسه، یک معجزه خواندند. ج - تغییر رابطه ارتش با ملت کار دیگری را می‌کرد: مانع از آن می‌شد که قشون اجازه دهد گروهی بازنشسته ارتشیان را در کنار چماقداران، برای مسلط کردن بیگانه بر مقدرات کشور، به حرکت درآوردند. منظر جمهور مردم و جمهور ارتشیان و اداریان در یک سو و گروههای چماقدار که روحانیان و غیر روحانیان شرکت کننده در کودتا بسیج کرده بودند و افسران خود فروخته در سوی دیگر، منظره ۲۸ مرداد دیگری می‌گشت که در آن، امریکا و انگلیس، در ایران بود که در کار کودتا شکست می‌خوردند. می‌توان اثر این شکست را بر جهتی که جهان در نیم قرن گذشته در پیش می‌گرفت، در نظر مجسم کرد. اگر ایرانیان نیز کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را ارزیابی علمی کرده بودند و درسهایی که می‌باید آموخت را می‌آموختند و بکار می‌بردند، دست کم، در بهار آزادی، کودتای ملاتاریا میسر نمی‌شد. از آغاز، برنامه مردم سالار کردن دستگاه اداری و قشون جایگزین «نهاد انقلاب سازی» می‌گشت و...